

# مکاتبات ایران و انگلیس

درباره

نیاهندکی هند و امیرا

به کوشش :

میراثم محمدت

مکاتبات ایران و انگلیس

میرزا

|    |    |
|----|----|
| ۱  | ۰۱ |
| ۴۱ | ۵۱ |

# مکاتبات ایران و انگلیس

درباره

پناهندگی فرهاد میرزا

به کوشش :

میرزا شمس محمد



انتشارات بابک

---

---

مکاتبات ایران و انگلیس  
بکوشش میرهاشم محدث

انتشارات بابک: تهران میدان انقلاب بازار ایران طبقه سوم پلاک ۹۳  
تلفن ۹۲۷۶۱۷

## فهرست مندرجات

| صفحه | پیش گفتار    |
|------|--------------|
| ۱    | نامۀ اول     |
| ۵    | نامۀ دوم     |
| ۱۲   | نامۀ سوم     |
| ۱۷   | نامۀ چهارم   |
| ۱۹   | نامۀ پنجم    |
| ۲۲   | نامۀ ششم     |
| ۲۵   | نامۀ هفتم    |
| ۳۶   | نامۀ هشتم    |
| ۳۹   | نامۀ نهم     |
| ۴۰   | نامۀ دهم     |
| ۴۳   | نامۀ یازدهم  |
| ۴۷   | نامۀ دوازدهم |
| ۵۰   | نامۀ سیزدهم  |
| ۵۳   | نامۀ چهاردهم |
| ۵۶   | نامۀ پانزدهم |
| ۵۸   | نامۀ شانزدهم |

|         |                   |
|---------|-------------------|
| صفحه ۶۰ | نامۀ هفدهم        |
| ۶۳ "    | نامۀ هیجدهم       |
| ۶۴ "    | نامۀ نوزدهم       |
| ۶۶ "    | نامۀ بیستم        |
| ۶۸ "    | نامۀ بیست و یکم   |
| ۷۱ "    | نامۀ بیست و دوم   |
| ۷۳ "    | نامۀ بیست و سوم   |
| ۷۵ "    | نامۀ بیست و چهارم |
| ۷۷ "    | نامۀ بیست و پنجم  |
| ۷۹ "    | نامۀ بیست و ششم   |
| ۸۱ "    | نامۀ بیست و هفتم  |
| ۸۳ "    | نامۀ بیست و هشتم  |
| ۸۴ "    | نامۀ بیست و نهم   |
| ۸۵ "    | نامۀ سیام         |
| ۸۶ "    | نامۀ سی و یکم     |
| ۸۸ "    | نامۀ سی و دوم     |
| ۸۹ "    | نامۀ سی و سوم     |
| ۹۱ "    | ضمیمه             |

## پیش‌گفتار بسم الله الرحمن الرحيم

رساله‌ای را که اینک در پیش‌رو دارید  
مجموعه‌ای وسیع است که بین میرزا آقا  
خان نوری - صدراعظم ایران و قاتل میرزا  
تقی‌خان امیرکبیر - و سرویلیام تیلور  
طامس - کاردار و وزیر مختار انگلیس  
در ایران - بر سر موضوع پناهندگی فرهاد  
میرزا معتمد الدوله به سفارت انگلیس در  
تهران رد و بدل شده است .

فرهاد میرزا پسر عباس میرزا نایب -  
السلطنه و عموی ناصرالدین شاه بود که  
به خاطر روابط سردش با مهدعلیا از موقعی  
که ناصرالدین شاه به سلطنت نشست همیشه  
مورد سوء ظن و بی‌مهری بود . اسنادی که از  
زمان قاجار بازمانده گویای این مسئله  
است که فرهاد میرزا دوبار به سفارت انگلیس

در تهران پناهنده شده است ولی متأسفانه دربارهٔ این پناهندگی، بیشتر تواریخ دورهٔ قاجار سکوت کرده‌اند فقط نادر میرزا در تاریخ و جغرافی دارالسلطنهٔ تبریز (ص ۷۵) به این موضوع اشاره‌ای میکند . خوشبختانه با پیدا شدن اسنادی که اکنون در معرض مطالعه است تا حدودی این مسئله و منافعی که استعمارگران در پی دستیابی به آن بودند روشن می‌شود .

\* \* \*

اما این مستر طامس که نامه‌های مجموعهٔ حاضر بین او و میرزا آقاخان نوری رد و بدل شده کیست ؟ و چه زمانی به ایران آمده ؟ و مدت اقامت او در ایران چند وقت بوده ؟

"کمتر از دو هفته پس از گرفتن آن تعهدنامهٔ تاریخی، کلنل جاستین شیل که به گفتهٔ همسرش لیدی شیل، از بیماری درازمدتی رنج می‌برد و مبارزه با آن را در ایران بی‌فایده می‌دید تهران را ترک گفت و وظایف وزیرمختاری را به کفیل و جانشین خویش تیلور تا مسن محول ساخت که شانزده سال پیش از آن تاریخ (در ۱۸۳۷ - ۲) برای نخستین بار به سمت یکی از کارمندان سفارت انگلیس به تهران آمده بود . دوران دوسالهٔ وزیرمختاری تیلور تا مسن (مارس ۱۸۵۳ تا آوریل ۱۸۵۵ - ۲)

« = ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۱ - ه » چنانکه به تفصیل  
خواهد آمد مدبمنزله ابرسیاهی پیش از  
فرارسیدن توفان بود زیرا پاره‌ای از  
رویدادهای آن دو سال به گسسته شدن رشته  
مناسبات میان دو کشور و دامن زدن آتش  
جنگ انجامید. (۱)

\* \* \*

حال ببینیم وقایعی که متعاقب  
این پناهندگی صورت گرفته چیست؟ و اصولاً  
سردی روابط ایران و انگلیس در آن زمان  
فقط به خاطر این پناهندگی بوده یا دلایلی  
دیگر داشته :

" این وقایع درست مقارن ایامی  
است که چارلز موره سفیر جدید انگلستان  
تازه به تهران وارد شده بود. و این چارلز  
موره همان است که دولت انگلیس او را  
برای تیره کردن روابط سیاسی دولتین به  
تهران فرستاده بود تا زمینه قطع روابط  
دولتین را فراهم سازد و نتایج مطلوب به  
نفع دولت انگلستان به دست آید و او هم با  
وسایل و حیل فراوان بالاخره کار دولتین  
را به قطع روابط کشانید و پرچم سفارت را

---

۱- تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران  
و انگلیس (از دوران فرمانروائی مغولان تا  
پایان عهد قاجاریه) تألیف دکتر ابوالقاسم طاهری  
ج ۲ ص ۳۲۶ از انتشارات انجمن آثار ملی.

پا‌ئین آورد و با هیأت سفارت از ایران خارج شد و بدنبال او کشتیه‌های جنگی انگلستان به خلیج فارس وارد شدند و به بنا در بوشهر و محمره (خرمشهر امروز) حمله بردند و قوای نظامی آنها تا اهواز در خاک خوزستان پیش آمدند و بالاخره عهدنامه پاریس مبتنی بر انتراغ افغانستان از ایران، به دولت ایران تحمیل گردید (۷ رجب ۱۲۷۳).

بنا برای این هنگامی که این مقدمات و این سیرو قایع را در نظربیاوریم، آیا نباید چنین استنباط کرد که میان قضیه فرهاد میرزا و سیاست چارلز مورهارتباط و بستگی‌هایی بوده است؟ شاید روزی با بدست آمدن اسناد و مدارک دیگری این نظر تأیید شود. (۲)

\* \* \*

نسخه‌ای که برای چاپ اساس کار این جانب قرار گرفت متعلق است به کتابخانه پدرم شادروان استاد علامه دکتر سید جلال‌الدین محدث ارموی. اندازه صفحات این نسخه ۱۷ × ۱۱ و در هر صفحه ۱۵ سطر دارد و شامل ۷۹ صفحه است.

از برادر عزیزم آقای سید عباس محدث که در مقابلۀ این رساله‌ها رو مددکارم بود ممنونم.

میرهاشم محدث

تهران، فروردین‌ماه ۱۳۶۰

۲- حقوق‌گیران انگلیس در ایران تألیف اسماعیل راین  
ص ۳۶۱.



کمال خبرت نیست است در حقش از لعل کمان رخسار این کوه  
 رسته از این دیر و نوحه لعل و صمد را عظم زمان در صلا حد بر رخسار  
 بود و موجب رخسار این اوقات اول بر حلت ایران کرد  
 شایسته مراد و شایسته با صفاست حلت انگیز است و این با هم خود  
 اول بر حلت ایران در میسر می شود و دیگر در کرد و نه در کرد  
 و نه در شایسته با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 در ایران است از لعل و صمد را عظم زمان در صلا حد بر رخسار  
 از وقت و حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 و از وقت و حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 نه از وقت و حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 و از وقت و حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 و از وقت و حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست  
 و از وقت و حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست حلت ایران با صفاست

(۱)

سواد کا غذا ول طامسن صاحب که ترجمه نسدارد

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظها را مشفقا معظما  
در این روزها بی احترامی بزرگ و غریب از اولیای دولت ایران  
نسبت به دولت انگلیس شده، بر عهدهٔ دوستدار است که مطالبهٔ  
تلافی آنرا از اولیای دولت ایران بکند. آن بی احترامی  
راجع به رفتاری است که این اوقات امنای دولت ایران به  
نواب شاهزاده فرهاد میرزا نموده اند. در سنوات سابق که  
شاهزاده حاکم فارس بودند با اینکه در رسانیدن مالیات و  
انجام امورات دیوانی بهیچوجه مورد ایراد نبودند و پیوسته  
مراقب بودند که فیما بین دولتین علیتین مودت و دوستی  
باشد و این فقره را مصلحت دولت خود می شمردند. چون مرحوم  
حاجی میرزا آقاسی صدراعظم آن زمان علانیه اظهار افتخار به  
رعیتی روس می کرد و رفتار شاهزاده را منافی رای و عقیده  
خود می دانست شاهزاده را عزل کرد، در کمال خفت و بی احترامی  
به دارالخلافه آورد و ظهور آن رفتار را لایق در آن زمان از  
صدراعظم آن وقت که عمل شاهزاده منافی میل و رضای او بود

چندان محل تعجب و حیرت نیست، اما در این اوقات اگر نوشتجات و اظهارات شفاهی اولیای دولت ایران محل اعتماد و اعتقاد است که قلبا مایل هستند بنیان دوستی فیما بین دولتین علیتین که در عهد خاقان مغفور محکم بود محکمتر و مضبوط تر نمایند جای کمال حیرت و تعجب است که در حق شاهزاده همان رفتار سابق بلکه اشد از آن دیده شود.

ایراد صدر اعظم آن زمان در صلاح دید دوستی شاهزاده بود و موجب نارضا مندی این اوقات اولیای دولت ایران از شاهزاده مراد و ده<sup>۱</sup> سخمانه با سفارت دولت انگلیس است و این راهم خود اولیای دولت ایران در مجالس و محافل خود آشکار و بی پرده کرده اند. آمد و شد دوستانه<sup>۲</sup> اشخاص را با سفرای دول متحابه که در حقیقت مهمان پادشاه شمرده می شوند دوستدار تا بحال مخبر نبود که تقصیر می شود در سه سال قبل از این که بی میلی اولیای دولت ایران به شاهزاده باعث توهم شاهزاده گردیده (( بود )) به این سفارت آمدند. در آن وقت آن جناب اشرف نوشته ای به مهر خود بجانب وزیر مختار پادشاه انگلستان داده اند به این مضمون که: " بعلی بن ابی طالب و به جقه<sup>۳</sup> مبارک سرکار اعلیحضرت شهریاری و به مرگ فرزندی نظام الملک که اگر نواب فرهاد میرزا فرمایش پادشاه ولی نعمت خود را اطاعت کند و بطالقان برود ابد اضرجانی و مالی و آبروئی برای ایشان نیست " بعد از خاطر جمع شدن شاهزاده تا این اوقات اگر چه گاهی اظهار بی میلی زیاد به شاهزاده شده ولیکن حرفی بمیان نیامده بود که سبب و اهمه و عدم اطمینان شاهزاده از سلامت مال و وجود خود و عیالش گردد، ولیکن در این اواخر پیغامات و وحشت آمیز اولیای دولت ایران را به شاهزاده رسانیدند که مادامی که کاغذ ندهید بهیچوجه منالوجه آشنائی به سفیر دولت

انگلیس ندارد بداید حکماً در طالقان که یکی از بیلاقات بسیار سرد است و جایی است که ایلات معتاد بسرماهای سخت نمی‌توانند زندگانی کرد در چادر بسر ببرید، یا با کمال خفت و ذلت مانند رعایا در خانه‌های رعیتی ساکن شوید. علاوه بر اینها اگر تقصیر هم نداشته باشند فراش و چوب میفرستم که پانصد چوب بزنند و کی می‌تواند یک کلمه حرف بگوید؟ و چون از اینگونه پیغامات و احکامات که بالکلیه منافی با مضمینی است که آن جناب اشرف بجناب وزیر مختار پادشاه انگلستان داده‌اند شاهزاده از تشویش سوار شده با سلامت در خانه پادشاه انگلستان بسته، اولیای دولت ایران بعد از استحاضا را از آمدن شاهزاده به این سفارت بصورت حکم و فرستادن آدم قدغن کردند تیول دیوانی و املاک اربابی شاهزاده حتی باغی که در بیلاقش میران دارد ضبط نمایند، عیال و اطفال هم درده بطور حبس باشند و در همه جا اشتها ردا ده اند که این کار محض از جهت آمدن شاهزاده به سفارت انگلیس است.

تا بحال دوستدار اطلاع ندارد که اولیای دولت ایران چنین رفتاری نموده باشند مگر در مقدمه خانبا با خان خوانساری. و لازم نمی‌دانند که اظهار بدارد زیرا که اولیای دولت ایران مطلع هستند که به چه طریق اولیای دولت انگلیس ملاحظه رفتار اولیای دولت ایران را در باره خانبا با خان نمودند. در این فقره بلاشک بی‌احترامی عظیم قصد بعمل آمده و فرض دوستدار است که تلافی آنرا از اولیای دولت ایران بخواهد لهذا از اولیای دولت ایران مطالبه مینماید که حکم ما در کینند و آدم به طالقان و دهات اربابی شاهزاده روانه نمایند که آنها را بطور سابق تسلیم کسان شاهزاده کنند و آنچه محصلها تفریط نموده اند بعینها رد شود و قرار بدهند که بعد از این قطع گفتگوی ترک مراوده بشود و

شاهزاده در سرکشی تیول ودهات خودمانند امثال و اقربان خود باشد چون شاهزاده فرهاد میرزا فیما بین اهالی ایران مشهور به دیانت و امانت و صداقت با پادشاه خود و معروف به کم آزاری هستند موجب مزید حیرت است که اولیای دولت ایران چرا شاهزاده را اینطور تعاقب کرده اند.

حرفی یوم یکشنبه ۲۶ شهر ربیع الاول ۱۲۷۱

(۲)

جواب کاغذ طامسن صاحب

مراسله مورخه ۲۶ شہر ربیع الاول آن جناب کہ در باره نواب فرہاد میرزا نگارش یافتہ بودند رسید. چون این قبیل فقرات از امورات کلیہ داخلہ مملکت است و موافق قانون هیچ دولت دوستی نیست کہ ما مور آن دولت در امورات داخلہ دولت دیگر مدخلہ نماید خاصہ در کارہای اشخاصی کہ از اقارب سلطنت کبری و داخل دایرہ وجود ہمایون می باشند سیما اولاد ولیعہد مبرور، بہ این جہت دوستدار حسب الامر ممنوع و معذور از سوءال و جواب رسمی است و از آن جناب در کمال توقیر و احترام معذرت در سوءال و جواب رسمی می خواہد. لیکن دوستانہ فقط بجهت استحضار آن جناب بہ نگارش ہمین یک مراسلہ مختصرا می پردازد.

اولا: نوشتہ بودند در این روزہا بی احترامی بزرگ و غریب از اولیای این دولت نسبت بہ آن دولت شدہ و مطالبہ تلافی آنرا در عہدہ خود گرفتہ اند و آن بی احترامی را راجع

به رفتار اولیای این دولت نسبت به نواب فرهاد میرزا قرار داده اند باعث حیرت و تعجب و افسوس اولیای این دولت گردید و از آن جناب منصفانه تصدیق می‌خواهد که آیا رفتار ناهنجار نواب فرهاد میرزا و آمدن او به دارالخلافه به خلاف رای و اذن و اجازه اعلیٰ حضرت اقدس شریاری - روحی فداه -، علاوه در آن سفارتخانه منزل کردن یا اینکه قبل از شکار جاجرود چندین دفعه خود آن جناب واسطه آمدن نواب معزی الیه به دارالخلافه بودند و به جهات عدیده اعلیٰ حضرت اقدس همایون شاهنشاهی آمدن او را مقرون به صلاح و صواب ندانسته اذن و اجازت نفرمودند و نگا داشتن آن جناب او را در سفارتخانه، و حال اینکه یقین و صریح می‌دانستند خلاف رضای خاطر مبارک پادشاهی است بی‌احترامی آشکار نسبت به دولست ایران (( است )) یا رفتار اولیای دولت علیه نسبت با و؟

ثانیا : نگاشته بودند که سابق برای این هم که نواب معزی الیه حاجی رس بودند و مرا قبت در دوستی فیما بین دولتین می‌نمودند مرحوم حاجی میرزا آقاسی بهمین جهت او را معزول نمود. در فقره مرحوم حاجی میرزا آقاسی به آن تفصیلی که نوشته بودند چون فقرات مسطوره از روی حدس و ظن بود و دستدار حدس و ظن را لازم به جواب نمی‌دانند لیکن این فقره گویا مستور و مخفی نباشد که اولیای این دولت به جمیع حکام سرحدیه دستور العمل و فرما یشتات مخصوصه همیشه نموده و می‌نمایند که مراقب باشند فیما بین این دولت و دول دوست همجواری دوستی و مودت مستحکم باشد چنانکه به عموم سرحدات از قبیل آذربایجان و گیلان و استراباد و مازندران و فارس و کرمانشاهان، در این عهد نیز همیشه همین دستور العمل و فرما یشتات داده شده است که با ما مورین دول متحابه در کمال دوستی و الفت باشند و امورات

محقانه آنها را رعایت کنند، لیکن عزل و نصب هر یک منوط به رای انور ملوکانه و مقتضای وقت و مصالح ملکیه بوده و خواهد بود و اگر نواب فرها دمیرزا عزل خود را به جهت مراوده بسا ما مور آن دولت و انمود کرده باشد محض فساد جلی اوست که همیشه در مکون داشت چنانکه بعد از عزل او تا حال چندین حاکم دیگر عزل و نصب شده اند و این نسبتها را به خود نداده اند.

در باب آمد و شد دوستانه اشخاص با سفرای دول متحابه مراتبی نگارش یافته بود چون اولیای این دولت به احوال اهالی ایران زیاد (( تر )) از دیگران بصیرت دارند و مکرر به تجربه معلوم شده است که همین که بعض اشخاص در مراوده اصرار و مبالغه نمودند یک استظهاری از برای آنها حاصل می شود و به خیالات بعیده حرکت و رفتار متمرده پیش می گیرند چنانکه همین استظهار نواب معزی الیه نیز تمرده از حکم همایون نموده خود سربدارا خلافت آمد و ما مورین آن دولت از مقصود اطلاع ندارند و بی جهت و بی حق به زحمتی که متعلق به ما مور رسمیه خودشان نیست و خلاف مصلحت دولت دوست است میافتند به این جهت اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی - روحی فداه - حق دارند که راضی به مراوده چنین اشخاص که دور از قاعده هستند نشوند و الا اشخاصی که از این خیالات عاری و بری هستند و از قاعده دانی و ادب ربط و استحضار دارند هیچوقت ممنوع نبوده و نیستند.

و هم نگارش داشته بودند که هرگاه امنای دولت ایران میل قلبی داشتند که بنیاد دوستی فیما بین دولتین علیتین که از عهد خاقان مغفور محکم بود محکم تر نمایند جای تعجب است که در حق شاهزاده همان رفتار سابق بلکه اشد از آن دیده شود این فقره نیز مدلل است که در زمان خاقان مغفور ابدا این

گونه کیفیات و مداخلات سوءال وجوابها از ما مورین دول متحابه در میان نبود سهل است بهیچوجه منالوجه هیچیک از ما مورین دول متحابه در امورات داخله و توسط عامه اهالی مملکت مداخله نداشتند تا چه رسد به شاهزادگان معروف .

ثالثا : کاغذ شخصانه و دوستانه دوستدار را بدان تفصیل در کاغذ دولتی ناقص مندرج ساخته بودند بطوریکه دور نیست اگر دوباره مراجعه به آن کاغذ شود تغییر حالت و اعتقاد برای آن جناب حاصل گردد و همانقدر از کاغذ دوستدار هم که نقل مراسله خود نموده بودند دلیل کافی خواهد بود که کاغذ، دوستانه و شخصانه بوده است نه دولتی و رسمی زیرا که کاغذ دولتی ضرور به توکید و ایمان ندارد و قسم خوردن دوستدار به جان فرزندی نظام الملک چیزی نیست که در کاغذ دولتی مندرج شود و حال آنکه در خود آن کاغذ نوشته است که این کاغذ دوستانه و شخصانه است .

علاوه اگر در عفو و اغماض تقصیری از مقصر، یک وقتی دوستدار از خاکپای مبارک مستدعی شود دلیل آن نخواهد بود که مادام العمر با تقصیرهای دیگر مطلق العنان خواهد بود ، و انگهی از عبارات کاغذ شخصی و دوستانه دوستدار هم که آن جناب در کاغذ دولتی مندرج ساخته اند معلوم می شود که شرایط مضامین آنها از طرف دوستدار مراعات شده است . اما نواب معزی الیه مخالف جمیع قیودی که در آن نوشته مندرج است رفتار کرده است که تمرد از حکم ولی نعمت خود نمود و اطاعت کردن نواب معزی الیه پادشاه و ولی نعمت خود را ، این بود که به طالقان برود و در سر حکومت و تیول خودش باشد و در آنجا آسوده و محفوظ و محترم بماند بی اینکه بی التفاتی به او ظاهر شود تمرد نموده خود سربدارا خلافت آید چگونه است که

آن جناب اعمال واضح<sup>۱</sup> اولیای این دولت را که از امورات محسوسه است و به معاینه ملاحظه می شود غیر کافی می دانند که چهار هزار تومان واجب به او مرحمت شده بود و طالقان را که محل واجب و حکومت از برای او قرار داده بودند در دست او بود که بتواند ایام بیلاق را در آنجا و قشلاق را در "اغلان تپه" (۱) نزدیک شهر و گرمسیر بسر برده در کمال آسودگی مدارا نماید چنانکه مدت ها در نهایت آسودگی در آنجا گذران می کرد و محفوظ و محترم بود.

اما اقوال جعلی بازاری که نواب معزی الیه محض تقویت خیالات باطنی خود اظهار کرده است که پیغام وحشت آمیز اوایای دولت را به شاهزاده رسانیدند که باید حکما "در طالقان در چادر بسر برند یا با کمال خفت و ذلت مانند رعایا در خانه های رعیتی ساکن شوند و در کاغذ دولتی مندرج می سازند و حال اینکه عدم صدق آن معلوم و مبهرن است که با مکننت و ثروتی که در شاهزاده موجود است و قداست که در هر جا خواسته باشد عمارات عالییه بنا کنند و اولیای دولت هرگز تکلیف و تحکم به نشستن چادر به او نمی نمایند و حال اینکه در اغلان تپه که گرمسیر (( تر )) از تهران است عمارت و جای نشستن زمستان هم دارد. و اگر دوستدار هم به حرف مردم اعتماد می کرد تمرد از حکم صریح اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و این حرکت نواب معزی الیه را هم میبایست محمل به دعوت بدارد.

رابعا: خود آن جناب اطلاع دارند که اعلیحضرت همایون شهبازی، بودن او را در دارالخلافه به جهات عدیده که یکی

---

۱- اغلان تپه: ده جزء دهستان افشاریه ساوجبلاغ، بخش کرج. شهرستان تهران (فرهنگ جغرافیائی ایران، ج ۱، صفحه ۱۵).

از آن همدستی با نواب عباس میرزا و تعلیم و تقویت خیالات زنانه مادر اوست مضر و وجود مبارک می‌دانند و با این حالت محض رعایت قرابت و نیکنامی و رأفت، به چنین آدم مرسوم و تیسوال مرحمت فرموده حکومت طالقان را به او مفوض داشته بودند و او محض پیروی خیالات فسادآمیز خود پیغامات معجول را مایه وحشت کاذبانه خود قرار داده به جهت آمدن در آن خلافت و فتنه.

خامسا: آن جناب نواب معزی‌الیه را نظیر خانبا با خان خونساری بی‌اصل و نسب داشته‌اند، اگر نواب بهمن میرزا<sup>(۱)</sup> بخاطر آن جناب رسیده بود البته به او تشبیه می‌نمودند. دیگر اینکه بخاطر آن جناب می‌آورد مضاف مینی را که جناب وزیر امور خارجه آن دولت به شفیع خان مصلحت‌گذار این دولت، ایام توقف لندن اظهار داشته بودند که خوش داریم ولیای دولت ایران قراری بدهند که ظلم به کسی نشود و اطمینان از برای مردم حاصل شود که آسوده باشند و پناه به حائی نبرند و پناهگاه‌هایی به جهت مردم مضطر قرار بدهند که سفرادر این زحمت نباشند، اما بیخبر از حالت بعضی اشخاص بوده اند که به همه جهت اسباب امنیت و آسودگی و عدالت از برای آنها حاصل است و اغراض نفسانی آنها را به حال خود نمی‌گذارند و محرک می‌شود که خود را به سفارت انداخته باعث زحمت می‌شوند. با این مراتب باز سزاوار و شایسته مثل آن جناب ما مورد دولت دوستی آن است که نوکری این دولت را همیشه به اطاعت و تمکین ولی نعمت خود و ترک اغراض نفسانی و فساد ملکی ترغیب نمایند. بفرض محال

---

۱- بهمن میرزا پسر چهارم عباس میرزا و برادر فرهاد میرزا بود. برای اطلاعات بیشتر و علت پناهندگی وی به سفارت روسیه به ضمیمه آخر این رساله رجوع شود.

اگر به نواب معزی الیه ظلمی هم شده بود محل بست و پناهگاه  
حسب الامر در روزنامه دولتی جاهای زیاد معین شده بود  
می خواست بدارالایمان قم و یا به آستانه حضرت عبدالعظیم و  
یا به سرطویه مبارکه برود و رفع ظلم را از خود نمایند اینک  
بدون جهت و سبب به سفارت بیاید و مایه زحمت آن جناب و  
سوءال و جواب گردد.

از همه عجبت که مایه کمال افسوس و حیرت و از کاردانی  
و خیرخواهی آن جناب زیاد دور بود این است که آن جناب  
شبیه به حکومت داخله نگاشته اند که آدم به طالقان و دهاتی که  
در دست شاهزاده بود با حکم روانه دارند که همه را به طریق سابق  
به کسان شاهزاده متمرکز حکم و اگذار نمایند و حال اینکه آن  
جناب می دانند که مرحمت شدن موجب و حکومت و تیول بسته به  
خدمتگزاری و اطاعت چاکران است (( در غیر این صورت کسی ))  
استحقاق موجب و تیول و محل حکومت نخواهد داشت.

باز مجدداً زحمت می دهد و در کمال توقیر و احترام مصدع  
می شود که از سوءال و جواب اموری که متعلق به کارهای داخله  
است خاصه اطراف نزدیک حریم سلطنت دوستدار را معذور دارند.  
زیاده زحمتی ندارد. دوستانه محض اطلاع کامل آن  
جناب از این امر مصدع شد.

حررفی ۲۹ شهر ربیع الاول ۱۲۷۱

(۳)

### کاغذ طامن صاحب

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهارا مشفقا مهربانا  
مراسله آن جناب اشرف مورخه ۲۹ ربیع الاول رسید. دوستدار  
افسوس دارد که به سبب روانه داشتن پوست به انگلستان ممکن  
نگردد بیه جواب پردا زد.

آن جناب اشرف نگاشته بودند در خصوص رفتاری که به  
نواب شاهزاده فرهاد میرزا شده است چون داخل مورد اخله این  
مملکت است رجوعی به این سفارت ندارد. در این مرحله خیال  
دوستدار بکلی منافعی خیال آن جناب اشرف است و اگر چه  
دوستدار حاضر است و قبول دارد که ظهور تعدی و تعاقب تنبیه از  
اولیای دولت ایران به رعایای خودشان مدخلیت به امور  
داخله ولایت دارد، ولی بعد از آنکه اولیای دولت ایران  
در آن رفتار را اسم دولت خارج را منضم می سازند آن ملاحظه از  
میان می رود. حال در این فقره قویا اظهار می دارد که از طور  
تحقیقی که قصدا اولیای دولت ایران به اسم دولت انگلیس

بی سبب و جهت شاهزاده را تعاقب نموده اند این سفارت را لابد ساخته اند که مطالبه تلافی شایسته بکنند و این مطالبه را حالا مجدداً و رسماً می نماید.

در خصوص صحبتی که جناب وزیر امور خارجه دولت انگلیس با مقرب الخاقان شفیع خان در خصوص بست داشته بودند البته آن جناب اشرف خواهند دانست که معنی آن صحبت این بوده است که دولت انگلیس بسیار خوشوقت می شدند اگر اولیای دولت ایران در طرز و طور حکمرانی، آن قراری را که ترحم و تفضل آن بیشتر است سعی می گشتند زیرا که با مواظبت و مراقبت آن قرار داده رفتن بست موقوف می گردید و باعث این می شد که سفارتخانه های خارج از مرارت و زحمات مظلومین و مضطربین آسوده می شدند. تحمل سفارتخانه های خارج زحمات آنها را محض ترحم و تفضل است نه چیز دیگر.

آن جناب اشرف می توانند بدانند اولیای دولت انگلیس چه قدرها متحیر خواهند بود وقتی که موافق آنچه فرض دوستدار است ایشان را مشخص و مطلع بسازد که یکی از شاهزادگان بسیار رشوف و بی ضرر که کمال اخلاص را به پادشاه خود دارد و صاحب کمال تر از شاهزادگان ایران و بسیار شایق تعلیم حکمتها (( ی )) یوروپ (( بود وقتی )) لابد به سفارت دولت انگلیس پناه آورد و او را اخراج کردند به یکی از بیلاقات شدید و سخت این ولایت که در آنجا لابد بود یا در یکی از خانه های محقر رعیتی زیست نماید یا با زن و عیال خود در چادر از سرما تلف شوند و این رفتار سخت بر او وارد شده است از این که مرتکب این گناه بوده که از مراده به صاحب منصبان سفارتخانه پادشاه انگلستان طالب ترقی در علم یوروپ بود. و علاوه بر آنها وقتی که این شاهزاده رشوف پناه به این سفارت آورده بود همان آن تیوالی که از

اعلیحضرت پادشاه به او مرحمت شده بود به حکم اولیای دولت ایران ضبط شد و املاک اربابی شاهزاده را غصب نمودند و از کسان مقرب الخاقان - میرزا موسی وزیر تهران - به رعایای شاهزاده به حدی تعدی و بی اعتدالی وارد آمد که خانه های خود را گذاشته به اطراف و حول وحوش فرار نمودند .

آن جناب اشرف نوشته بودند که اگر شاهزاده ظلم دیده بود می بایست به طویلۀ اعلیحضرت پادشاهی یا به یکی از آن ما منها که در روزنامه تهران موسوم به جاهائی است که مظلومین می توانند سلامت شخصی داشته باشند تا غائله های آنها رفع گردد (( برود )) ، لکن آن جناب اشرف دوستدار را معذور خواهند داشت اگر به خاطر آن جناب اشرف بیاورد که مدتی نگذشته است که خسروخان که یکی از خانواده های بزرگ ایران است به آنجا پناه برد و همان دقیقه که او را به اطمینان بیرون آوردند فوراً در کمال گرفتاری چوب و افر به او زدند . خانه یی هم که متعلق به یکی از فرزندان عزیز اعلیحضرت پادشاه و جای پناه بود و سلامت به جهت ملهوفین شمرده می شد ، تقدیر و قسمت جلیل خان و همراهان او این بود که به زور از بست کشیده شوند و تنبیه شدید بر آنها وارد آمد بیان احوال مستغنی از اظهار دوستدار است .

در مراسله آن جناب اشرف سمت تحریر یافته بود که اعلیحضرت پادشاه ، شاهزاده را مضر می دانند و اشاره کرده بودند به ولتی که در زمان سابق خیال داشتند یکی از صبیای خود را به نواب عباس میرزا بدهند و این فقره هم لازم نیست که دوستدار اظهاری بداند که اگر سابقاً چنین خیالی داشتند سالهاست که مراوده فیما بین این دو خانواده به کلی متروک است . دوستدار مستحضراست که بعضی اشخاص مفسد شاهزاده را متهم

ساخته اند که در شمران در خانه آن جناب اشرف کاغذ به نواب عباس میرزا می نوشتند اما این تهمت بر همه کس آنقدر آشکار و بی پایه بود که لازم نمی دانند زیاده بر این در این خصوص اظهار دارد البته هم به نظر هر کس بسیار غریب می آید که اینطور رفتار با شاهزاده به سبب مراوده دوستانه با صاحب منصبان سفارتخانه ای است که اولیای دولت ایران اظهار می دارند که با دولت آن سفارت بسیار دوست هستند.

رعیت روس در دو ولایت از ولایات حکومت دارند که بسیار مداخل خیز است و سرکرده امروز هم در سرحد آذربایجان که آشکار و بی پرده کمال خصوصیت را با کارگزاران و رعایای روسیه دارد در این خصوصات یک کلمه ایراد وارد نیست شاید آن جناب اشرف بگویند که در آن سرحد یک سرکرده دیگر هم هست که با کارگزاران دولت انگلیس مراوده دارد اما در خصوص این دو شخص از آن جناب اشرف استفسار می شود که اگر به پایتخت احضار می شدند رفتار آن دو نفر چه می شد؟ بی شک آن شخص آخری حکم را اطاعت کرده افتخار خود می دانست ولیکن آن یک نفر دیگر اگر در مرتبه احضار شود بی شبهه صریح تخلف و تمرد می کرد مگر در صورتیکه روسیه ضامن او می شدند.

در خصوص اینکه آن جناب اشرف نوشته بودند کاغذی که به کرنل (( = کانل )) شیل هنگامیکه شاهزاده از بست سفارت بیرون آمده بودند مشخصا نه بود نه رسمانه، دوستدار حاضر است و قبول می نماید که چنین بوده است اما چون آن کاغذ را وزیر اول پادشاه ایران به وزیر مختار وایلچی مخصوص پادشاه انگلستان داده بودند منتظر آن بود که وفای تام بشروط آن نموده باشند. از اینکه هنگام آن قرار خود دوستدار حضور داشت حتما و جز ما می دانند که در آنوقت هیچ مفهوم نمی شد که

شاهزاده با یست هم زمستان و هم تابستان در طالقان اقامت داشته باشند. با این احوالات بر ذمهء دوستداران است که باز بالصراحه به آن جناب اشرف اظهار بدارد که چون رفتاری که به شاهزاده فرهاد میرزا شده است بی حرمتی بین از برای دولت انگلیس است دوستداران این خصوص گفتگو نمی توانند بکنند مگر بطور رسمیانه، و لهذا مجدداً مطالبه می نمایند آن تلافی را که در مراسلهء ۲۶ شهر ربیع الاول خود مندرج کرده بود و متوقع است که اولیای دولت ایران که آن مطالبهء سهل و جزئی را قبول نمایند تنهائیها از برای اینکه عمل محققانه نسبت به دولت انگلیس است بلکه از برای اینکه نا موسس این دولت محفوظ باشد و آن چیزی است که اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان بسیار مایل و طالب هستند و السلام.

(( ۳ ربیع الثانی ۱۲۷۱ ))

(۴)

بشارژدفر دولت انگلیس نوشته می شود

مراسله آن جناب بخط انگلیسی در باب فقره نواب  
فرهاد میرزا رسید. در جواب به تحریر این مختصر زحمت افزا  
می شود که چنانکه در مراسله مورخه ۲۹ ربیع الاول از روی  
دلایل واضح به آن جناب مفصلاً دوستانه قلمی داشته و شفاها  
هم مشروح مفصل حالی و اظهار نموده، این فقره از امور داخله  
ملکی و مکاتبه و مداخله در آن باعث رخنه و اختلال کلی در امور  
داخله مملکتی است و از خود حرکت متمردها شاهزاده که بی  
موجبی نموده است بسا مفاسد ناشی خواهد شد چه جای آنکه سوءال  
و جوابی در آن بشود. بعلاوه نواب معزی الیه از خانواده سلطنت  
این دولت می باشد و از جانب سنی الجوانب سرکار اعلیحضرت  
پادشاه ولی نعمت خود - خلد الله سلطانه - اذن و رخصت ندارد  
که در این گونه امور که راجع به نفس نفیس<sup>(۱)</sup> و دایره سلطنت  
است سوءال و جوابی با سفرای دول متحابه نماید. لهذا در

کمال توقیر و احترام از آن جناب عذر می‌خواهد و زیاده‌براین  
قدر مختصر نمی‌تواند به مقام نگارش برآید.

بدیهی است که آن جناب در عدم احترام به سوءال و جواب  
امور متعلقه بداخله این دولت خاصه در صورتیکه از جانب  
سنی الجوانب همایون مرخص نبوده باشد عذر دوستدار را موجه  
خواهند دانست اما در مورد ولتیه درهرباب و هرخصوص که آن  
جناب از روی حق به مقام اظهار و نگارش برآیند دوستدار حاضر  
و آمده است که به سوءال و جواب آنها از روی حق اقدام نماید  
و در هیچ باب فرو گذاشت نکند. زیاده مصدع نمی‌گردد.

فی چهار ربیع الثانی ((۱۲۷۱))

(۵)

ترجمهء کاغذی که طامسن صاحب بتاریخ ۵ شهر  
ربیع الثانی بخط انگلیسی بجنا باجل اشرف صدر-  
اعظم ایران نوشته است .

جناب اشرف امجدارفع محبان استظها را مشفقا معظم  
مراسله آن جناب اشرف مورخه چهارم شهر ربیع الثانی رسید .  
درضمن آن مراسله آن جناب اشرف خود را معاف داشته اند از  
گفتگو در خصوص بی حرمتی که به دولت انگلیس وارد آ مدّه به علت  
اینکه این فقره را تنها داخل امور داخله این مملکت شمرده  
اند . این فقره ایست که دوستدار بهیچوجه نمی تواند قبول  
نماید . سابقا هم هنگامی که در خصوص حاجی عبدالکریم بی احترامی  
به دولت انگلیس وارد آ مدّه بود در جواب از این قبیل طفره ها و  
بهانه ها مشهود می شد ، بعد از آن چون دوستدار را میداداشتم که  
اولیای دولت ایران طریقه و رویه رفتار را که لایق و شایسته  
اولیای دولت انگلیس باشد معلوم کرده باشند و در پاس احترام  
سفارت دولت انگلیس به شبهه نیفتند توقع نداشت که حال همان

بها نه و رفتار سابق را معمول دارند .

آن جناب اشرف ظاهرا می خواهند چنین وانمود نمایند که این کار فقط به نواب فرهاد میرزا مدخلیت دارد اما چنین نیست آنچه مطالبه می شود این است که تلافی بی احترامی که به اسم دولت انگلیس وارد آمده باید بشود و چون این بی احترامی از اولیای دولت ایران ناشی شده و خود اولیای دولت ایران بمیل خود خواستند که این بی حرمتی بواسطه شاهزاده - که از دودمان سلطنت است - وارد بیاید هر صعوبتی که بعد از این بظهور برسد راجع بخود اولیای دولت ایران خواهد شد .

آن جناب اشرف از همه کس بهتر مستحضر هستند از اینکه دوستدار پیوسته چه قدرها اجتناب دارد از گفتگوئی که به شاهزادگان و دایره سلطنت مدخلیت داشته باشد البته از آن جناب اشرف پوشیده نخواهد شد که در هر اوقات<sup>(۱)</sup> که اهالی این ولایت در هر مقام و منصبی که باشند بی حرمتی به دولت انگلیس نمایند بر عهده دوستدار است که مطالبه تنبیه شایسته بکند . باز هم به دوستدار لازم و واجب و بلکه فرض ترو لازمتر که حمایت رسماً نه نمایان آن اشخاص بیگناهی که متضرر می شوند به آن جهت که اولیای این دولت بی میل آن اشخاص آنها را مستمسک ساخته تا بواسطه آنها بی احترامی بین بدولت انگلیس وارد آمده .

---

۱- در حاشیه این صفحه نوشته است : "از استعمال لفظ "هراوقات" لازم می آید که جناب شارژدفر همیشه رئیس سفارت خودشان در ایران باشد و حال بعد از آمدن ما مورتازها و خواهد رفت پس در این صورت از هر که فرضاً بی حرمتی نسبت به آن سفارت ظاهر شده باید به لندن ببرند تا شارژدفر در همانجا مطالبه تنبیه شایسته او را بکند ."

دوستداران دیشه دار که آن جناب اشرف در خوانند  
مراسله مورخه ۲۶ شهر ربیع الاول و ۳ ربیع الثانی دقتی  
نفرمودند که ترجمه آنها را امروز صبح ارسال داشت والا اگر  
به دقت ملاحظه شده بودا میداشت که آنچه در آنجا نگاشته شده  
به اولیای دولت ایران مدلل و مبرهن می گردید که این امر را  
خود اولیای دولت ایران داخل امور خارجه نموده اند و چون  
چنین است در این صورت مجددا از اولیای دولت ایران مطالبه  
تلافی محققانه دولت انگلیس را منظور دارند بعمل بیاورند یا  
نه .

بالاخره دوستدار مجددا به آن جناب اشرف اظهار می دارد  
که دوستدار قبول نمی کنند و نخواهد کرد که این امر از امور داخله  
این مملکت باشد و اگر اولیای دولت ایران به مشقت بیفتند  
چون خود اولیای دولت ایران بر خود قرار داده اند نتایج  
آن با خود اولیای دولت ایران است .

(۶)

### جواب کاغذ طامسن صاحب

مراسله آن جناب مورخه ۵ شهریور بیع الثانی رسید .  
حق این است که نوشتجات آن جناب را اولیای این دولت هر  
چه تحقیق می کنند نمی توانند بفهمند رفتار دولت علیه را نسبت  
به فرها دمیرزا به چه ملاحظه به اسم دولت انگلیس ربط می دهند ؟  
وقتی که اولیای دولت علیه بالصراحه اعلام کنند که فلان  
رعیت ایرانی را بجهت فلان عمل او که در نظر همه تقصیر بزرگی  
است و بهیچوجه به ما مورات خارج ربطی ندارد تنبیه می کنم  
دیگر تنبیه مزبور چگونه راجع به دولت انگلیس می شود ؟ چه بر  
حسب قوانین معموله کل دول وجه بر حسب شرایط طبیعی مملکت  
داری بر همه کس واضح و مبرهن است که تمبرد فرها دمیرزا که  
بر خلاف رای اعلی حضرت پادشاهی از محل حکومت خود مراجعت  
کرده تقصیر بزرگی است ، و خود آن جناب هم تصدیق دارند که  
تنبیه این نوع مقصر جزوا مورات داخله این ملک است و دولت  
علیه نیز بالصراحه اعلام می کنند که فرها دمیرزا را محض همین

تقصیر تنبیه می‌کنم. پس از چنین اعلام، دیگر برای آن جناب چه حق مداخله در این امر باقی می‌ماند؟ آن جناب بجهت یک بی‌احترامی مفروض که می‌گویند نسبت به دولت انگلیس وارد آمده و هنوز بهیچوجه برای ولیای این دولت معلوم نشده است چنان تلافی بزرگ از دولت ایران مطالبه می‌کنند پس دولت علیه که بواسطه نتوانستن اجرای تنبیه نوکر خود مورد چنین خفت بزرگی گشته و خود آن جناب هم بر عظمت خفت مزبور شاهد هستند تلافی بی‌احترامی خود را از کجا بخواهد؟ و سفارت دولت انگلیس چه حق دارد که دولت علیه را بر تحمل چنان خفت مجبور سازد؟ و فرهاد میرزا نسبت به پادشاه ولی نعمت خود بلاحرف مقصراست سفارت انگلیس به چه حق و به چه دلیل می‌خواهد دولت علیه از حق تنبیه چنان مقصر بزرگی بگذرد؟ متمدین احکام پادشاهی در کدام دولت بی‌تنبیه می‌مانند که در ایران بمانند؟ اولین حق دول مستقل اجرای حکم خود است نسبت به رعیت خود، و اولین فرض امنای این دولت حفظ و استقرار حق مزبور است بنا بر این دوستدار هرگز نمی‌تواند مانع اجرای حکم پادشاهی نسبت به رعیت خود شود. و همچنین دولت علیه به هیچ قسم راضی نخواهد شد که سفرای خارجه مخل قوانین ملکی این دولت شوند و در امور داخله این دولت مداخله نمایند.

اینکه نوشته بودند که ولیای دولت ایران این اشخاص (( را )) مستمسک بی‌احترامی به دولت انگلیس ساخته، ولیای این دولت هرگز این اظهار آن جناب را نمی‌توانند قبول نمایند که نسبت به ایشان اسناد قصد بی‌احترامی به دولت انگلیس داده شود بلکه سفارت انگلیس بواسطه حمایت این نوع اشخاص متمدین، مداخله و اخلال در کارهای داخله این دولت می‌کنند. و نیز آن جناب استفسار نموده بودند که آیا دولت ایران تلافی

دولت انگلیس را بعمل خواهند آورد یا نه؟ دوستدار در جواب اظهار می‌دارد که دولت ایران به هیچ وجه به بی‌احترامی دولت انگلیس راضی نخواهد شد و اگر احیاناً در ایران نسبت به دولت انگلیس بی‌احترامی واقع بشود اول کسی که در مقام تلافی برمی‌آید دوستدار خواهد بود و اولیای دولت ایران اعزاز و احترام دولت انگلیس را جزو اعزاز و احترام خود می‌دانند. و صریح اظهار می‌شود که هر وقت در ایران نسبت به دولت انگلیس خدا نکرده بی‌احترامی شود ایشان حاضر هستند که آنچه لازمۀ تلافی و مقتضی شان دولت انگلیس باشد بلا درنگ بعمل آورند، ولیکن بحمد الله تعالی هنوز چنین امری اتفاق نیفتاده که با شان دولت انگلیس ربطی داشته باشد.

یقین حاصل است که بعد از آنکه فقرات مراسلات دوستدار که در جواب آن جناب نوشته شده است به دقت ملاحظه و غور شود تفسیر اعتقاد بهم رسانیده اذعان خواهند کرد که فرهاد میرزا بواسطه حرکات متمرّدانه مستوجب تنبیه بوده و هست و از تنبیه او بهیچوجه بی‌حرمتی نسبت به دولت انگلیس وارد نخواهد آمد.

زیاده زحمتی ندارد.

حرره فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۷)

جواب کا غلط ماسن صاحب  
در جواب شرحی کہ بخط انگلیسی بدوستدارنگاشته بودند

مراسلہ بہ تاریخ چہارم ربیع الثانی و بعد رقعہء دوستانہ  
نگارن و ضمناً تصدیع رفت کہ از جانب سنی الجوانب اعلیٰ حضرت  
اقدس ہمایون شاہنشاہی - روحنا فدایہ - در اینگونہ امور کہ  
راجع بہ نفس نفیس و دایرہء سلطنت است با سفیرای دول  
بتحا بہ اذن سوءال و جواب ندارد . بعد از آنکہ ترجمہء شرح  
انگلیسی آن جناب - کہ مطابقت تامہ با اصل نداشت - بنظر  
ہمایون رسید بنگارن این مراسلہ کہ ضمناً متضمن جواب برخی  
از فقرات مراسلہء آن جناب است ماذون و ما مور گردید .

اولا چیزی کہ بر حیرت اولیای این دولت افزودہ این  
است کہ ہنوز بہ اولیای این دولت معلوم نگردیدہ است کہ مقصود  
واقعی آن جناب از این نوع رفتار ہا چہ چیز است ؟ از روزی کہ  
آن جناب بہ منصب شازدہ فری در این دربار ہمایون مقیم  
شدہ اند تا امروز در ہر وقتی از اوقات بہ تقریبی اقدام بہ یک

مطلبی که اغلب خارج از دایره ما موریت آن جناب بوده است کرده در سر آن اگر جزئی هم بوده است به مرتبه ای کشمکش و گرفت و گیر نموده اند که مگر اولیای این دولت با کمال وثوق و اعتماد به دوستی دولت انگلیس به تردید افتاده اند که آیا آن جناب دوستان استظهاری گوهر دوستی این دو دولت را که در نظر دولت و ملت ایران بسیار گران بها و عزیزالقدر است و بهر سفیر و ما مور آن دولت لازم است که بر قدر و قیمت آن بیفزاید به چه ملاحظه لکه دار می پسندند؟ و در اختلال این قدر نظم ایران که الی الان موجود است اصرار می نمایند؟ و حال اینکه این معنی در غایت وضوح و ظهور است که اولیای دولت انگلیس همیشه طالب نظم این دولت بوده و هستند.

اینکه نگاشته اند آن جناب قبول دارند که ظهور تعدی و تعاقب یا تنبیه از اولیای دولت ایران به رعایای خودشان مداخلیت به امور داخله ولایت دارد، بعد از آنکه اولیای دولت ایران در آن رفتار اسم دولت خارج را منضم می سازد آن ملاحظه از میان می رود. دوستدار زحمت می دهد که رفتار اولیای این دولت نسبت به فرهاد میرزا راجع به اصل عمل شخص اوست و آن فقط عبارت از تمرد او از حکم پادشاه و ولی نعمت خود و بیرون آمدن خود سرانه از محل حکومتش می باشد چنانکه از روز اول و الان نیز همین طور بدون تغییر صریحا اظهار شده و می شود. و هم اولیای این دولت هیچ مضایقه ندارند که به اقسام مختلفه حتی در روزنامه ها ربه دهند که بر عموم خلق داخله و خارجه حقیقت ما جرا را از این زیاده واضح و آشکار سازند که اسم دولت و سفارت انگلیس ضمیمه این کار نبوده و نیست. پس در این صورت حق مداخله آن جناب که بر خود قرار می دهند مرتفع شده موافق نص مراسله آن جناب که نوشته اند مداخلیت به امور

داخله ولایت داردا ملا جهتی باقی نمی ماند که سفارت را برای مطالبه تلافی رسماً نه لابد سازد.

و در خصوص صحبت جناب وزیر امور خارجه دولت انگلیس با مقرب الخاقان شفیع خان<sup>(۱)</sup> در خصوص بست به آن تفصیلی که آن جناب نگاشته اند صحیح است اما حرف در این است که ما مول اولیای آن دولت در ظهور ترجم و تفضل از اولیای این دولت بحمد الله تعالی به عمل آمده است و ظلمی به کسی وارد نیست، و چند سال است که آن جناب خود به رای العین مشاهده می کنند که هیچ بنای بستی و پناهی در هیچ سفارت باقی نیست، با آن همه اولیای دولت ایران افسوس دارند که با عمل آمدن ما مول اولیای آن دولت که هیچ سفارتخانه محل بست نیست هنوز سفارتخانه آن دولت با کمال دوستی دولتیسن چرا با بستی در پناه دادن مردم متمرّد و غیره بر اصرار سابق باقی باشد؟

تفصیلی در باب فرها دمیرزا در مراسله خود مندرج و باعث تحیر اولیای دولت انگلیس فرض نموده بودند لازم آمد به هریک از آن تفاسیل که مقتضی جواب بود اشاره شود. بلی آن تفاسیل غیر واقع را که مدعی از روی غرض به اطلاع آن جناب رسانیده است و معتقد شده اند به اطلاع هر کس برسد جای حیرت خواهد بود. اما اگر اولیای دولت ایران واقع و نفس الامر این تفصیل را بی کم و زیاد بیان نمایند گویا جای حیرت برای ایشان نماند. الحق این واقعه فرها دمیرزا سزاوار حیرت است نهایت فرض آن را آن جناب با سمت انصاف و حقانیت درجای خود نمی نمایند

۱- میرزا شفیع خان مصلحت گذار ایران در لندن از ۱۲۶۸ تا

۱۲۷۳ هـ (= ۱۲۳۵ تا ۱۲۳۵ ش).

مثلا از مراتب اخلاص این شاهزاده نسبت به پادشاه خود در ضمن آن تفصیل نوشته بودند این معنی را به میزان تمرد و خودسریهای متعدده و علانیه او از حکم پاد (( شاه )) و ولی نعمت خود خوب می توان سنجید .

بلی بسیار مطلوب اولیای این دولت بود که شاهزاده واقعا در اخلاص به پادشاه خود ثابت باشد و رفت و آمده رفتن و انزجار طبع همایون را که از ملاحظه تمرد و دلایل سوء حرکات سابق و لاحق او حاصل است رفع نماید ، اما چه فایده که این تمرد جدید علانیه که بسا مفااسد عظیمه را در انتظار مداخله این دولت باعث می تواند شد اولیای این دولت را به افسوس تمام آورد و علاوه دلیل روشن بر خلاف اعتقاد و اظهار آن جناب نیز از خود اقامه نمود .

و نیز از آن جمله نوشته بودند او را اخراج کرده به یکی از بیلاقات شدید و سخت این ولایت (( فرستاده اند )) به آن تفصیل که در مراسله آن جناب مندرج است خوبی بلوک طالقان از برای بیلاق شاهزاده و قریه اغلان تپه نزدیکی شهر با عمارات زمستانی به قدر گذران بل زیاده تر و داشتن چهار هزار تومان موجب با تیول و استطاعت احداث هر نوع خانه و عمارت در خارج شهر تهران که در این ملک به صرف هزار تومان میسر است و داخل عمارات عالییه محسوب می شود هم به تفصیل در مراسله مورخه ۲۹ شهر ربیع الاول نگاشته شده است . عجب تر این که در مدت توقف چندین ساله این ملک و استحفاظ از آب و هوای همه جای ایران آب و هوای مثل طالقان جایی را برای شاهزاده در قرب دارا الخلافه سخت و مهلک می پندارند ، و حال اینکه نشو و نما شاهزاده در مثل آذربایجان جایی شده که البته به درجات چند سخت تر از هوای طالقان است . بی اطاعتی

و تمبردا و از حکم اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی - روحی فداه -  
و آمدنش به دارالخلافه چیزی نیست که به نگارش این گونه  
عبارات و مضامین لباس صحبت بیوشد. از این گذشته سه دفعه  
آمدن او را به دارالخلافه خود آن جناب از دوستدار خواهش کردند  
دوستدار هم از خاکپای همایون استدعا و شفاعت کرد و مقبول  
نیفتاد.

و نیز از آن جمله نگاشته بودند مرتکب این گناه بود که  
از مراوده به صاحب منصبان سفارتخانه پادشاه انگلستان طالب  
ترقی در علم یوروپ بودا ما مراوده مردمان موءدب و بیخیال  
به سفارتخانه های دول متحابه از تفصیل مراسله دوستدار  
مورخه ۲۹ ربیع الاول که به آن جناب نگاشته است معلوم می شود  
حالا هم زحمت می دهد که اولیای دولت ایران در مراوده اهالی  
این مملکت به سفارتخانه های دول متحابه حرفی نداشته و  
ندارند حرف در این است که این نوع مراوده آنها نباید دلیل  
تمرد و استظهارشان و دستاویز حمایت از سفارتخانه ها در حق  
آنها گردد و به این واسطه نظم و حقوق این دولت بکلی پا مال  
شود.

اما علم و حکمت آموختن شاهزاده از سفارتخانه آن دولت  
سواء از آن جناب می شود مدرسه دارالفنون دارالخلافه که  
علوم فرنگ امروز در آنجا انتشار دارد و شاهزادگان و نجیب-  
زادگان این دولت همه روزه در آنجا تحصیل می نمایند آیا فرض  
علوم و توسعه خیال در آنجا بهتر ممکن است یا در سفارتخانه  
دولتی؟ که اساس بر تقدیم تکالیف دولتی است نه بر تعلیم  
علوم و توسعه خیالات مردم.

دیروز در ذیل همان تفصیل نوشته بودند وقتی که شاهزاده  
به آن سفارت پناه آورد همان آن تیولی که از سرکار اعلیحضرت

پادشاه به او مرحمت شده بود به حکم اولیای دولت ایران ضبط شد، سبب اجرای حکم مزبور در اول مراسله بالصراحه مذکور گردید و پیش از حکایت فرها دمیرزا حکم کلی از دولت ما در شده بود که هر کس بدون ظلم و اذیت به جائی بست برود و باعث نقص و بدنامی دولت شود مال او ضبط شود. به فرها دمیرزا هم در ازای رفتار متمرده و تخلف از مدلول حکم کلی حکم مزبور جاری شد، هیچ سبب دیگر ضمیمه نداشت. طرز رفتار نوکر که مستحسن خاطر ولی نعمت نباشد البته مستحق مواجب و تیول و حکومت نخواهد بود این است جواب اجمالی تفصیلاتی که آن جناب از روی قول و تقریر غیر واقع گوینده قلمی داشته بودند.

در خصوص بست اصطبل همایون و فقره خسروخان مراتبی نگاشته بودند به آن جناب البته مخفی و مستور نخواهد بود که قرارداد بست بر حسب حکم دولت ما منهای معین است که روزنامه دار الخلافه تهران فقط از برای مظلومین انتشار یافته است اما اگر قاتل و طاغی و متمردها به یکی از آنها ماکن ببرند می دانند به مجرد این معنی باید خون مظلوم و حق اطاعت سلطان را بکلی انکار کرد و با اینکه به محض بست رفتن لوٹ این جرایم عظیمه پاک نمی شود و باید مقصر به سزا برسد به اعتقاد آن جناب و ادعای خود شاهزاده او که گناهی نداشت فرضا ارا جیفی به گوش او رسیده بود رفع خوفی که از این ارا جیف حاصل بود بدون تمرد و هم ممکن می شد همچنانکه شاهزاده آن جناب را نزد دوستدار واسطه آمدن خود به دار الخلافه کرده بود می توانست بهمان طور بتوسط آن جناب از دوستدار اطمینان بخواهد، نه اینکه به بهانه اخبار مجعوله بدون اذن از محل حکومت خود به دار الخلافه مراجعت نماید.

فقره خسروخان مگر بخاطر آن جناب پوشیده است که

حسب الامر اقدس به کرات احضار به رکاب همایون گردید و او هر دفعه تخلف نمود بالاخره علی الغفله در اصطبل همایون بست نشست بعد از آنکه بی اجبار و زور بل بمیل خاطر خود از آنجا بیرون آمد به تنبیهی که خود موجب شده بود رسید. وانگهی قرار بست براین است که فرصتی از برای شخص مظلوم باشد که تواند عرض خود را به اولیای دولت علیه برساند و الا مقصر را البته در بست نخواهند گذاشت چنانکه مشهور است - علیه آلا ف التحیه والشنا - که از معتبرترین بستها ی مملکت ایران است بعد از آنکه سالار<sup>(۱)</sup> متمرّد و مفسد فی الارض به آنجا رفت به حکم شرع و عقل و عرف از برای نظم دولت و مملکت و ملت او را بیرون آورده به سزای خودش رسانیدند.

در باب خانه فرزند عزیزا علی حضرت پادشاه که بدان تفصیل نوشته بودند اولاً خانه فرزند عزیزا علی حضرت پادشاهی هیچوقت چه سابقاً و چه لاحقاً در روزنامه دولتی جای پناه نهمیده بود سهل است در دربار حرم و قرب جوار سلطنت اجماع کردن بعلاوه

---

۱- سالار، محمد حسن خان قاجار پسر اللهیا رخا ن آصف الدوله است و مهمترین واقعه داخلی در او ان جلوس ناصراالدین شاه فتنه محمد حسن خان سالار بود در خراسان که از او خرایام سلطنت محمد شاه شروع شده و دنباله آن همچنین تا این ایا م امتداد داشت و اگر جلادت و کفایت میرزا تقی خان امیرکبیر نبود بیم آن می رفت که آتش فتنه آن غالب نقاط ایران را بگیرد. برای اطلاع بر احوال و عاقبت کار سالار به کتاب ارزنده میرزا - تقی خان امیرکبیر (تالیف عباس اقبال آشتیانی و یکوش ایرج افشار) رجوع شود که فصلی مشبع بعنوان " فتنه سالار" را به این مساله اختصاص داده.

تقسیر جلیل خان و همراهانش یک موء اخذه و تنبیه علیحده ضرور داشت . ثانیاً بیرون آوردن جلیل خان دلالت بر این دارد که دولت ایران به جز آن چند مکان معین جائی را محل پناه نمی‌داند اگر هم خانه فرزند عزیزا علیحضرت پادشاهی باشد . گمان نمی‌رود که اولیای دولت انگلیس همان عملی را که دلیل بر نظم دولت ایران باشد را ضی شوند که مایه ایراد و اعراض شود .

در باب فقرهء وصلت که به آن تفصیل نگاشته بودند کار گذاران دولت انگلیس در ایران نباید در مراودهء این دو خانواده با همدیگر بهتر از اولیای این دولت اطلاع داشته باشند ! باری اعلیحضرت پادشاهی به جهات چند فرهاد میرزا را مضر و جود مبارک می‌دانند که از آن جمله یکی فقرهء مراوده با عباس میرزا است ، انحصار جهت نشده بود . دولتها برای حفظ انتظام داخلهء خودشان بسی اشخاص نامی را از مملکت اخراج بل در ممالک خارجه هم تعاقب می‌نمایند . اعلیحضرت پادشاه مستقل دولت ایران چگونه قادر نباشند که یک نوکر و رعیت خودشان را فقط از پایتخت خودشان بری سازند سهل است سفارت آن دولت در کمال اتحاد دولتین حفظ آدم مفسد را در پایتخت این دولت به انواع امتیازات داخل شرایط ترصیه خفت ادعائی خود قرار می‌دهند . این تکالیف و انصاف اولیای دولت انگلیس البته مناسب نخواهد بود .

نگاشته بودند رعیت روس در دو ولایت مداخل خیـز حکومت دارد اولاً بسیار مایهء تعجب گردید این تمثیلی که آن جناب آورده بودند زیرا که خارج از دایرهء مطلب بود بعلاوه فرضاً هرگاه وقتی یک بی نظمی اتفاق افتاده باشد دلیل جواز بی نظمی دیگر نخواهد شد و انگهی توکیل

تبعه خارج در هیچ دولتی و در این دولت هم تازگی ندارد چنانکه در گذشته ها نسزی صاحب و منجر هارت و بسیاری از صاحب منصبان بزرگ تبعه دولت انگلیس به سمت نوکری این دولت همیشه مشغول خدمت بوده و حالا هم عالی جاها ن مسترکارسک و مستر برجیس یکی در آذربایجان به منصب حکیم باشی گری و یکی در تهران به شغل مباشری روزنامه دولتی اشغال دارند از تبعه دول دیگر هم مثل عالی جا ه حکیم کلوکه که حفظ صحت وجود مبارک پادشاهی به عهده او محول است و بعضی دیگر هم که هر کدام به یک خدمتی مشغولند هستند. اسم سرکرده پروژهم در سرحد آذربایجان به آن تفصیل نگاشته بودند، در سرحدات ایران همیشه چند نفر حکام مقتدر در سوابق ایام بوده اند که بواسطه اعمال سابق خود از آمدن به مقرر سلطنت وحشتی داشته اند حال اگر در سرحد آذربایجان فرضا یک نفر از آن قبیل پیدا شود مستبعد نخواهد بود. در خراسان هم بخصوص سالهای سال چنین قبیل اشخاص بودند.

درباب این دو نفر از دوستان استفساری نموده بودند در کمال توقیر و احترام تمثیلی از حالت مقرب الخاقان شفیع خان در اقامت لندن که همانا اگر توانست به اصل مطلب خود بپردازد لاغیرگویا در این مرحله بی مناسبت نباشد. الحق قدر وقت خود و آن جناب را زیاده از آن می دانم که در اینگونه اظهارات خارج از مطلب تضییع شود.

در خصوص کاغذ دوستانه دوستدار تفصیلی نگاشته بودند میان وزیر اول پادشاه ایران با وزیر مختار پادشاه انگلستان امور سخنانه بسیاری می گذرد که به هیچوجه ربطی به دولتین نداشته باشد خاصه تحریرا قید و تصریح شود که این امر سخنانه است نه رسامنه آنوقت معتبر به اعتبار شخصی است و پای دولتین

از مساله خارج است . وانگهی در آن کاغذ دوستانه بالصراحه قید شده باشد که اگر شاهزاده به طالقان برود و اطاعت پادشاه و ولی نعمت خود را نماید محفوظ است و هیچ ذکری نشده باشد که اگر ترمرد نماید و به دارا الخلافه بیاید باز از موء اخذ محفوظ خواهد بود و آن رقععه هم بدیهی است پس از ارتکاب چنین ترمرد و مراجعت باطل گردید .

در باب حضور آن جناب نیز در آن که نگاشته اند هیچ مفهوم نمی شد که شاهزاده بایدهم زمستان و هم تابستان در طالقان قامت نماید . بلی در آن مجلس فرضا اگر مفهوم نشد که شاهزاده زمستان را هم در آنجا بماند آنقدر مفهوم شد که شاهزاده بدون آن دولت علیه نباید خدمت محوله خود را بگذار د و به دارا الخلافه بیاید و اگر مفهوم نبود پس به چه ملاحظه آن جناب چند دفعه شفاعت آمدن او را به دارا الخلافه نزد دوستدار نمودند و اینکه آن جناب رسماً و بالصراحه مطالبه تلافی کرده بودند و دوستدار نیز بالصراحه اظهار می دارد که تنبیه فرهاد میرزای مقصر هیچ مناسبتی به دولت و سفارت انگلیس ندارد و دولت ایران نسبت به دولت انگلیس هرگز بی احترامی ننکرده است بلکه از این نوع حمایتها که به مفسدین و متمر دین این ملک می شود به کرات به این دولت خفتهای بزرگ وارد آمده است و دولت ایران همه را محض حفظ دوستی دولت انگلیس متحمل شده است و اگر آن جناب مراتب این فقرات را به دیده انصاف ملاحظه نمایند تصدیق خواهند کرد موافق قاعده آن جناب بایده خفتهای دولت ایران را تلافی کنند .

باری اولیای این دولت دقیقه ای از لوازم احترام دولت انگلیس را فروگذار نکرده و نمی کنند و واضح است که به واسطه تصرفات اولیای این دولت در امورات داخله خود به شان و

احترام دولت انگلیس هرگز خللی نمی‌تواند رسید کمال حیرت حاصل است با اینکه ترمذ شاهزاده مقدم است بر ضبط تیول و سلب حکومت او و محسوس و مبرهن است با زاز تنبیه و سزای عمل متمردها و فاشا و هیچ‌ذکری نمی‌شود اما بی‌احترامی ادعائی نسبت به دولت انگلیس را که اولیای این دولت هنوز نمی‌دانند چه بی‌احترامی است مطالبه ترضیه می‌شود و آنگاه مواجب و تیول و حکومت دیوانی این دولت را جزو شرایط ترضیه قرار می‌دهند. و در حقیقت این معنی اسباب دعوت غریبی از کل مفسدین به سفا رتخانه آن دولت است زیرا که هر متمرودی آنچه بخواهد از دولت طوعا و کرها بگیرد و در کمال آزادی مشغول شراوت فطری باشد عنقریب سفا رتخانه با ید شهری بشود که مفسدین و متمرذین این مملکت را گنجایش دهد و همه رفته با مواجب و مرسوم این دولت در آنجا ما مون و محفوظ بمانند.

آن جناب خود انصاف دهند که آیا این نوع نکالیف ممکن به قبول است یا نه؟ اگر آن جناب ترضیه را از برای حفظ شان دولت انگلیس مطالبه می‌نمایند به چه ملاحظه در مقام تکلیفی برآمده که راجع به شخص و حرفهای شاهزاده و تحسین اولیای دولت بر ترمذ و ست و بس؟  
زیاده زحمتی ندارد.

۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۸)

### سواد دستخط مبارک

جناب صدرا عظم! اگر قرار بر این باشد که هر کس به  
سفا رتخانه انگلیس برود و روز بنشیند هم تیول و موجبش  
بی عیب شود و هم در مدت عمرش همیشه مورد عنایت بوده معاف از  
موء اخذه هر نوع جرم و تقصیر باشد که امیک از نوکرهای من  
طالب چنین نعمتی نخواهند بود؟

اگر بنا بر این باشد که هر مقصود و متدینا به سفارت انگلیس  
ببرد، از هر قسم تنبیه محفوظ باشد گذشته از اینکه نوکرهای من  
بعد از این به هیچ وجه از من حساب نخواهند برد سهل است از  
جسارت اشرار اطمینان خاطر برای من نخواهد ماند. واضح و  
آشکار می گویم اطمینان من از بزرگ و کوچک اهالی ایران بواسطه  
حقوق و دسترسی من است بر تنبیه و تادیب و اسباب تهدید آنها.  
با عدم چنان حقوق کمال خلاف عقل خواهد بود یک ساعت میان  
خلق آشوب طلب ایران با خیال آسوده بمانم!  
راست است از قدیم الایام بعضی از اماکن شریفه بست

بوده است اما اشخاصی که به آنجا پناه می‌بردند به جز سلامت شخص خود حاصلی نداشتند عیال و اموال آنها در اختیار سلطان. (۱)  
و مایه اطاعت و احتیاط هر کس بوده. این نوع پناهگاه که طامسن صاحب درپایتخت من می‌خواهد برقرار کند هیچوقت در ایران نبوده و ممکن نیست با حقوق لازمۀ اطمینان سلطانی جمع آید.

فرهاد میرزا به خلاف رای ما از طالقان برخاسته به سفارتخانه انگلیس آمده است، طامسن صاحب هم کمالات ستحضر را از این معنی داشت که آمدن او به دارالخلافه منافعی حکم و رای ما می‌باشد عوض اینکه او را به جای خود بفرستد و شفاعت این نوع تقصیر او را در حضرت ما نماید بعد از یازده روز به مقام مطالبه ترضیه برخاست که چرا حرکات متمرّدانه فرهاد میرزا را تحسین نمی‌کنم و او را مورد عنایت نمی‌سازم؟ نمی‌دانم به این تفصیل حمایت متمرّدین ما و به این طریق بد راه و جور کردن خلق را طامسن صاحب خود سرمی‌کند یا اینکه به دستور العمل دولتش است؟

در هر صورت تحمل چنین دستگاه که خلق را از جادۀ اطاعت در آورده بیباکی اشرار و متمرّدین بیفزاید نه به شان سلطنت ما درست می‌آید و نه با شرایط حزم و احتیاط درست می‌آید.  
سواد این دستخط را فرخ خان ببرد برای طامسن صاحب بخواند و رفع این غائله را به آن تفصیل که زبانی به شما فرمایش و حالی شد (( بکنند ))، اگر گوش داد و عمل کرد فیهما، والا خود هر قسم باشد سواد و ترجمه این دستخط را در جوف مراسله مخصوصه خود به جناب ایلچی بزرگ دولت انگلیس مقیم

اسلامبول وجناب وزیر امور خارجہ آن دولت رسانیدہ و چارہ  
این افضاح<sup>(۱)</sup> ناگوار را از خیر خواہی آنہا بخواہید.

حررہ فی شہر ربیع الثانی ۱۲۷۱

---

۱- در متن: "افضاح". و افضاح بہ معنی رسوائی (لغتنامہ دہخدا).

(۹)

(( نامه طامسماحب به میرزا آقاخان نوری ))

جناب اشرف ارفع اجد محبان استظهارا مشفقا معظما  
چون در ایران قاعده این بود که در روز عید بزرگ انگلیس اطمینان  
دولت ایران به صحبت اشخاصی که ما موری نمایند مرسوم است  
متداوله را می فرستادند از اینکه فردا که روز دوشنبه است عید  
می باشد بدوستان لازم آمد به اولیای دولت ایران اظهار بردارد  
اگر بخوانند به قاعده و قانون سابق رفتار نمایند به سبب بی -  
احترام می عظیمی که به توسط نواب شاهزاده فرهاد میرزا به دولت  
انگلیس وارد آمده است ما می که آن بی احترامی رفع نشده است  
دوستان را که افسوس را دارد که چنین تعارفات را نمی تواند  
قبول کنند چون مطلب انحصاری دارد .  
زیاده زحمت ندارد .

حرفی یوم یکشنبه ۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

از جانب جناب صدرا عظم - دام جلاله - به طامس صاحب

مراسله آن جناب که در باب منع مرسومات تبریک و  
تهنیت عید بزرگ دولت انگلیس نوشته شده بود رسید و زیاده از  
حد موجب افسوس اولیای این دولت گردید که حال قریب دو سال  
است که جناب شیل صاحب<sup>(۱)</sup> - وزیر مختار آن دولت - از اینجا

---

۱- کلنل جاستین شیل قبل از طامس وزیر مختار انگلیس در  
ایران بود و توضیح بیشتر این که: "کلنل جاستین شیل در  
۱۸۳۶ - م که سی و سه سال بیش نداشت از خدمت ارتش  
هندوستان معاف و به خدمت در ارتش نایب السلطنه عباس  
میرزا گماشته شد و در پاره‌ای از سالهای بحرانی سلطنت  
محمد شاه و آغاز دوران پادشاهی پسرش ناصرالدین در ایران  
وزیر مختار بود. دوران خدمت شیل ((در ایران)) را باید  
از اوت ۱۸۴۲ - م ((۱۲۵۸ - هـ)) تا فوریه ۱۸۵۳ - م  
((جمادی الاول ۱۲۶۹ - هـ)) به حساب آورد. منتهی باید در  
بقیه در صفحه بعد

رفته‌اند آن جناب پیوسته برای مطالبهٔ امورات جزئی غیر  
حقه همیشه خیالی و کاری را پیش گرفته‌اند که مورث نقض عهد  
و خلف مودت است. و حال آنکه ما مورث سفر از دولتی به  
دولت آخر محض اتحاد و وصل است برخلاف آن جناب که می‌خواهند  
اسباب انزجار و فصل بوده باشند.

شایسته و پسندیده از ما مورثین دول متحابه آن است که  
با دولت دوست خود همواره در استحکام مبانی مودت و تاسیس  
اساس دوستی و الفت، مجاهده و کوشش نمایند که بر مراتب  
وداد و اتحاد فیما بین دولتین بیفزایند، (( نه )) مثل آن  
جناب که پیوسته مشغول تسدید این باب است و برای کارهای  
جزئی به غیر حق بهانه جوئیهای برودت آمیز پیشنهاد دارند  
و می‌توانند اولیای این دولت قطع و یقین کنند که اولیای  
دولت انگلیس هرگز راضی به این گونه رفتار و ایرادها و  
مطالبات غیر حق آن جناب نخواهند بود. و بناء علیه محض  
ملاحظهٔ اتحاد دولتین آنچه لازمهٔ تشریفات تهنیت عید آن  
دولت است اولیای این دولت آماده و موجود نموده‌اند و ادعای  
این توقیر و احترام را بنا به پاس دوستی دولت انگلیس لازم

---

بقیه پا ورقی از صفحه قبل

... نظر داشت که وی مدت دو سال از اکتوبر ۱۸۴۷ تا نوامبر  
۱۸۴۹ - م را در مرخصی بوده که در آن اثنا کلنل فرانست  
به عنوان کفیل وزیر مختار انگلیس انجام وظیفه می‌کرده  
است. نقل از ص ۳۴۷ تاریخ روابط بازرگانی سیاسی  
ایران و انگلیس (از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان  
عهد قاجاریه) جلد دوم تألیف دکتر ابوالقاسم طاهری  
از انتشارات انجمن آثار ملی.

می‌شمارند و هرگز به کوتاهی و قصور اسبابی که در انظار ، علامت کمال مودت ما بین این دو دولت است خود را راضی نمی‌دارند . و در عمل فرها دمیرزا هم‌کاری که موجب بی‌احترامی نسبت به آن دولت باشد هرگز پیش نگرفته چنانکه در نوشتهء مفصل که صبح نزد آن جناب ارسال شد واضح و آشکار سمت تحریر یافته است لیکن بعد از آن جناب اولیای این دولت را به سبب تقدیم قوا و رسوم تهنیت این عید بزرگ خفتی تازه برای این دولت وارد آورد و علاوه بر حقوقی که در فقرهء فرها دمیرزا برای این دولت ثابت است آن بی‌احترامی بزرگ را در رد مرسومات یک جهتی علامات نسبت به این دولت بجا آوردند علی حضرت پادشاهی - روحی فداه - نتیجهء رد توقیر نسبت به دولت انگلیس را که منتهای بی‌احترامی در حق این دولت است و معایب حاصل چنان حرکت را ، بعهدهء خود آن جناب می‌گذارند .

زیاده زحمتی ندارد .

حرفی ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۱۱)

ترجمهء کاغذی که ملاسن صاحب - شارژد فردولست  
انگلیس - بخط انگلیسی بتاریخ دوازدهم شهر ربیع  
الثانی به میرزا آقاخان - صدراعظم دولت ایران -  
نوشت

جناب اشرف ارفع اجد محبان استظهار مشفقا معظما  
دو طغرا مراسله آن جناب اشرف در خصوص فقره نواب شاهزاده  
فرهاد میرزا مورخه دهم شهر ربیع الثانی رسید. بعد از آنکه  
بدقت تمام در آن دو طغرا مراسله ملاحظه شد چیزی بنظر نیامد  
که بیان اظهار آن را لازم شمارد، زیرا که در مراسلات سابق  
دوستانه تمام فقراتی را که در دو طغرا مراسله آن جناب اشرف  
مندرج گردیده از روی حقیقت و واقعیت جواب نگاشته شده  
است مگر اینکه آن جناب اشرف اشعار داشته بودند که آنچه  
شاهزاده را به توهم انداخته اند و را لابد کرده که به سفارتخانه  
بیاورد سخنان اراجیف و بازاری است اما اینطور نیست.  
دوستانه خوب مستحضراست که اولیای دولت ایران سعی

واهتمام نمودند در (( عدم )) انتشار و اشتها را این گونه سخنان وحشت انگیز به این قصد و منظور که این اخبار را از شاخص متفرقه به شاهزاده رسیده و باعث زیادتى توهم گردد و از این گونه صحبت های تشویش انگیز هم اولیای دولت ایران در حضور جمعی از شاهزادگان ...<sup>(۱)</sup> بودند. و علاوه بر این دوستدار دلیل قطعی و برهان کافی دارد از برای اینکه سابقا اظهار داشته و حال مکررا اظهار می دارد که اولیای دولت ایران هیچگونه شکایتی از شاهزاده نداشتند مگر مراوده<sup>۲</sup> دوستانه با صاحب منصبان این سفارت.

آن جناب اشرف نوشته بودند که ترجمه<sup>۳</sup> کاغذ دوستدار مورخه<sup>۴</sup> سیم شهر ربیع الثانی با اصل کاغذ تطبیق تمام نداشت. آن جناب اشرف دوستدار را معذور خواهند (( داشت )) اگر در صدق این اظهار شبهه نماید و اگر هم اعتقاد خود را به آن جناب اشرف اشاره نماید که شاید مطابق نبودن ترجمه که از این سفارت شده به آنچه از برای اولیای دولت ایران ترجمه شده از عدم سر رشته<sup>۵</sup> مترجم آن جناب اشرف بوده است.

اما چون آن جناب اشرف نوشته بودند تطبیق تمام نداشت دوستدار را علام می دارد که سواد ترجمه ها و سواد های مراسلات فیما بین در باب شاهزاده به خط انگلیسی و فارسی هر دو نزد جناب وزیر امور خارجه<sup>۶</sup> اعلی حضرت پادشاه انگلستان ارسال می شود تا که اشتباه و سهوی در خصوص گفتگو و صحبت که فیما بین دوستدار و مقرب الخاقان فرخ خان که روز یکشنبه دهم شهر ربیع الثانی به این سفارت آمده بود به میان نیاید. دوستدار به مقرب الخاقان فرخ خان گفت که در خصوص دستخط اعلی حضرت پادشاهی آن دستخط را با توقیر و احترام می که لایق و سزاوار اعلی حضرت هما یون است

از دست آن مقرب الخاقان بگیرد لیکن دوستدار لایبداست که  
 با لصراحه اجتناب نماید از گفتگو داشتن یا قرارداد شفاهی به  
 آن مقرب الخاقان در فقرهء فرهاد میرزا مگرد در صورتی که از  
 اولیای دولت ایران نوشته در دست باشد به این مضمون که حرف  
 آن مقرب الخاقان حرف اولیای دولت ایران است . یقین  
 دارد آن جناب اشرف ضرورت این شرط را قبول خواهند کرد .

اگر بیخاطربیا ورید حالت خجالت که از برای مقرب الخاقان  
 فرخ خان و حالت حیرت که از برای دوستدار وارد آمد هنگامی  
 که از مقدمهء حاجی عبدالکریم پیغامات و مواعید رسیده که  
 مقرب الخاقان فرخ خان از طرف اولیای دولت ایران وقت  
 عصر آورده بود فردا صبح اولیای دولت ایران بکلی انکار  
 مقالات او را نموده شک ندارد مطالبهء آن تلافی را که به عهدهء  
 دوستدار است مطالبه نماید بلا تمیز از آنچه فرض دوستدار است  
 طلب میکند و تا سف دارد که قدر این ملائمت را اولیای دولت  
 ایران ندانستند .

با وجود اینها دوستدار لازم میداند که مجدداً تکلیف کند که  
 اولیای دولت ایران تعمق و تفکر نمایند که به چه مرتبه بی -  
 احترامی بزرگ به دولت انگلیس وارد آمده و در این ملاحظهء  
 جدید آن خیال سهواً را دور نمایند که این فقره محض از برای  
 یکنفر از خانه زادن همایون است . حرف همان است که سابق  
 نوشته شده است مطالبهء دوستدار تلافی بیحرمتی است که به  
 دولت انگلیس شده است و لازم است اظهار بدارد که آن بیحرمتی  
 قصداً و عمداً از اولیای ایران ظهور یافته است .

آن سخت کاریها که از رفتار خود اولیای دولت ایران  
 بظهور رسیده است و سبب وجهت آن خود اولیای دولت ایران  
 شده اند رجوعی به دوستدار ندارد و چون حفظ ناموس و شان احترام

دولت انگلیس را اولیای این دولت این قدر کم اعتنائی نمودند حالا برعهده دوستداران است که فقط ملاحظه نمایند به آنچه لایق شان دولت خود است . لهذا مجدداً دوستداران آن جناب اشرف مطالبه می کنند که بزودی با الصراحه اطلاع به دوستدار بدهند که منظور اولیای دولت ایران این هست که قبول کنند مطالبی را که دوستدار مطالبه کرده در کاغذ مورخه بیست و ششم شهر ربیع الاول ؟

(( حرفی ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱ ))

(۱۲)

### سواد جواب کاغذ طامسن صاحب

مراسله آن جناب مورخه ۱۲ شهر ربیع الثانی رسید .  
با وجود دو طغرا جواب مفصل و مشروح که بتاریخ دهم همین ماه  
به آن جناب نوشته شد دیگر لازم نمی دانم که شرح و بسط مجدد به  
این مراسله بدهد گویا چیزی باقی نمانده باشد که اولیای دولت  
علیه از روی حق و دلایل جواب محقانه شافی در طبق اظهارات  
آن جناب ننگاشته باشند .

نوشته بودند که اولیای دولت ایران تعمق و تفکر  
نمایند که به چه مرتبه بی احترامی بزرگ به دولت انگلیس وارد  
آمده و نیز استفسار نموده بودند که آیا اولیای این دولت قبول  
خواهند کرد مطالبی را که آن جناب در کاغذ مورخه ۲۶ ربیع  
الاول مطالبه کرده اند یا نه ؟

در جواب اظهارات آن جناب اظهار می دارد که با اینکه اولیای  
دولت علم صریح دارند که خلاف احترام جزئی هم واقع نشده  
چگونه بی احترامی بزرگ را بنا به اظهارات مفروض آن جناب

اذعان نمایند؟ اگر همان فقره حکم در حق فرها دمیرزا است که اصلاً ربطی به دولت انگلیس ندارد و اسم دولت انگلیس نیز در عمل داخله منضم نبوده است چنانکه در ضمن مراسله مورخه ۲۵م این ماه به آن جناب اظهار شد و لیای دولت ایران در آنجا بکار جدیدی امری که راجع به خارجه باشد ننکرده اند بلکه به حکم وقایع متداوله سابقه و حالیه این دولت که موجب و مرسوم و تیوال هر متمدن و مقصری را مقطوع و اموالش را ضبط می‌کنند - چنانکه در حق بهمن میرزا همین حکم اجرا گردید - (۱) حتی شفاعت‌های عمده نیز در باب رد بعضی از املاک ضبط شده او از اولیای این دولت نمودند و مقبول نیامد. بدیهی است فرها دمیرزا هم بعد از آنکه بخلاف رای همایون محض تمرد و خلاف از مقر حکومت خود خودسر برخواسته به دارالخلافه آمد مال و موجب و تیوال او هم به حکم کلیه این دولت ضبط است و رد نمی‌شود مگر در حین امانت و گذشت از تقصیر او.

و اگر آن جناب از ادعای بی‌احترامی قصد دیگر دارند هنوز که معلوم و لیای دولت نشده پس صریح بنویسند تا معلوم شود به این احوال چگونه می‌توان قبول مطالب نمود و اگر واقعاً خدا نکرده خلاف احترام می‌ناشی شده باشد البته ترضیه و تلافی که راجع بخود دولت انگلیس باشد اولیای این دولت موافق قاعده به تقدیم خواهند رسانید.

اما آن مطالبه که آن جناب در مراسله مورخه فوق خود نموده اند با فرض بی‌احترامی به دولت انگلیس شده باشد و تلافی لازم بیاید دخلی به دولت انگلیس ندارد همه راجع به حرفهای شخصی شاهزاده و باعث اختلال کلی در انضباط امور

۱- در باب ضبط اموال بهمن میرزا به ضمیمه آخر این رساله مراجعه شود.

داخله و استقلال این سلطنت است و دعوت خلق به حرکات متمرده و قبول آن از طاقت دولت ایران بیرون است و حسب الامر قدس شهرباری از قبول چنین ترضیه غیرممکنه مضرتا در امور کلیه داخله معذور است والا اگر حالت امکان داشت مثل ایام گذشته محض خوشنودی و یک جهتی دولت انگلیس این دفعه هم با ز قبول ترضیه در امور غیر حقه بدون اثبات و محض ادعای آن جناب می نموده و صریحا به آن جناب زحمت می دهد که چون شاهزاده تمرد از حکم نموده خود سرانه و جسورانه وارد دار الخلافه شده نظر به فساد باطنی خود و هم دستا نش توقف او در سفارتخانه مایه زحمت دولتین شده و خواهد شد لهذا اعلی حضرت پادشاهی هیچ اطمینانی از توقف او ندارد و نباید با حالت تمرد توقف نماید. یا باید در کمال اطاعت به ولی نعمت خودش بی استظها را حدی که مایه خود سری او نشود به مقرر حکومت و محل ما موریت خود برود یا مثل نواب بهمن میرزا از خاک ایران خارج شود. (۱)

بعد از این دوستدار در باب فرهاد میرزا راضی به زحمت سوءال و جواب به آن جناب نمی شود و (( آن را )) بی شمر می دانند تا به انتظار ورود جناب وزیر مختار آن دولت که بزودی ان شاء الله تعالی وارد خواهد شد خواهد ماند و از صفت انصافی که از جانب معزی الیه معروف است بطوری که ما مولایای این دولت استحقاقشان این دولت را مثل حفظ شان دولت خود خواهد شمرد یا بلا واسطه با جناب وزیر امور خارجه اعلی حضرت پادشاه انگلستان مکتوبا سوءال و جواب خواهد نمود.

بدیهی است اولیای دولت انگلیس که ب صفت حق شناسی و انصاف اشتها رو اتصاف دارند! حقوق دولت را در داخله مملکت مهمل و متروک نخواهند خواست و بر بی استقلالیت این دولت اذعان خواهند نمود:

۱- به ضمیمه آخر این رساله مراجعه شود. حرفی لیل جمعه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۷۱

(۱۳)

از جانب جناب اشرف امجد صدر اعظم  
به طامسن صاحب

درحالتی که اولیای دولت به جهت تقدیم شرایط  
یک جهتی و دوستی بین الدولتین و توقیرشان واحترام  
دولت انگلیس، تهیه فرستادن شیرینی از جانب سنی -  
الجوانب اقدس همایون اعلی حضرت شاهنشاهی -  
روحی فداه - و از طرف خود برای تبریک و تهنیت عید  
سال جدید آن دولت رسماً کرده فرستاده اند، اولاً  
مدتی دلیل تفقد اعلی حضرت پادشاهی را که بسیار عمده  
و خیلی محترم است در بیرون معطل داشتند. بعد از  
مدتی و آمد و شد کسان آن جناب چند دفعه از اندرون به  
نزد حاملین شیرینی، درحالتی که بعد از یاس از قبول درکار  
مراجعت با شیرینی و نزدیک به بیرون آمدن از جلوخان در  
عمارت سفارت بودند - شیرینی پادشاهی را مجدداً از بین  
راه برگردانیده، شیرینی دوستدار را با الصراحه پس دادند -

و در حقیقت شیرینی پادشاهی را هم بعد از آن استخفاف  
بین طوری قبول کردند که تفاوتی با عدم قبول نداشت .  
اگرچه بعد از وصول این خبر جای آن بود که به تکمیل شرایط  
دوستی نپرداخته سهل است در ازای همین استخفاف دولت و  
اولیای دولت مطالبه ترضیه کامله بشود اما از آنجا که  
قرار اولیای دولت در هیچ باب به اشکال انداختن امور نبود  
و نیست ، اغماض از گذشته نموده باز عالیجاه محمد حسن خان را  
بالباس - که در نفس الامر صورت اعلی حضرت شاهنشاهی محسوب  
می شد - از جانب همایون به جهت تهنیت به سفارتخانه فرستادند  
آن جناب او را هم نپذیرفته با کمال بی اعتنائی در حق و رفتار  
نمودند و کسان سفارت در کمال استخفاف با او حرکت کرده دوباره  
از بی اعتنائی و نپذیرفتن او بی احترامی بین و آشکار نسبت  
به شان سلطنت وارد آوردند و در حقیقت این بی احترامیهای  
عظیمه متوالیه که به شان دولت از چندین جهت عمدا روا داشتند  
ترضیه بزرگ لازم دارد و اولیای دولت مترصد هستند که آن جناب  
به چه طور قرار ترضیه که شایسته تلافی این بی احترامیهای بزرگ  
باشد خواهند داد .

متوقع است که آن جناب زحمتی کشیده دوستدار را از  
قرار ترضیه این عمل مطلع نمایند که استحضار حاصل آید .

حرفی لیل جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

در ثانی زحمت می دهد که امروز هم شاهزادگان عظام نواب  
حشمت الدوله حمزه میرزا و نواب محسن میرزا با نوکران  
محترم اعلی حضرت همایونی که عبارت از مقرب الی الخاقان نصیر  
الملک و میرزا مهدی مستوفی و میرزا علی نقی مستوفی باشند

محض دلجوئی و تسهیل عمل و اطمینان دادن از واهمه موهومی کاذبانه برای ملاقات فرهاد میرزا به سفارت آمدند که شاید ما بین اولیای دولت و سفارت کار به زحمت و اشکال نکشد. با اینکه از سابق موافق خط خود فرهاد میرزا دعوت شده بودند آن جناب بعد از صرف مکیف زیاد و تغییر کلی در حالت خود بدون خبر به اطاقی که شاهزادگان و مقربو الخاقان مشا ربیهم نشسته بودند در کمال بی احترامی و خشونت وارد شده در عوض جا آوردن توقیر و احترام و رسوم سولتانی نسبت به مثل نواب حشمت الدوله و همراهان ایشان خشونت و درشتی کردند و از اجتماع نوکرهای مست سفارت در آن اطاق حرکات تهدید آمیز وارد آوردند.

دوستدار کمال حیرت دارد که اگر آنها هم از فرط هشیاری و عقل بصیر و تحمل نمی گذرانند و معاملیه به مثل می کردند از عهده جواب نتایجی که از این عمل حاصل می شد آن جناب چگونه بر می آمدند؟ و علاوه از این نواب محسن میرزا را که حامل دستخط هما یون بود به اکراه از خانه سفارت بیرون کردند و این بی احترامی بزرگ مجدداً نسبت به شاهزادگان محترم دولت و نوکران پادشاه که هیچ قصدی جز خیر خواهی نداشتند وارد آوردند.

این بی احترامی بزرگ علانیه و آشکار علاوه بر سابقا عث حیرت دوستدار گردید و این گونه رفتار آن جناب که این دولت را بتوالی و توا تر به خفت های کلیه عمده دچار ساخت اولیای دولت را لابد و ناچار به مطالبه ترضیه جدا گانه نمود و اکنون منتظر عمل آوردن دو ترضیه بزرگ شایسته ایشان از آن جناب می باشد.

حررفی لیل جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۱۴)

ترجمهء کاغذی که طامسن صاحب - شارژد فرد دولت  
انگلیس - بتاريخ ۱۵ شهر ربیع الثانی به میرزا  
آقاخان - صدراعظم دولت ایران - نوشته اند

جناب اشرف امجدارفع محبان استظهارامشفقا معظما  
مراسلهء آن جناب اشرف مورخهء شب جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی  
رسید. دوستدار خیلی افسوس دارد که اولیای این دولت هنوز  
در آن خیال هستند که بی حرمتی بواسطهء نواب شاهزاده فرهاد  
میرزا به دولت انگلیس نشده است. با اینکه دوستدار این  
قدر معلوم کرده است که از طرف اولیای دولت ایران نه همان  
بی احترامی بزرگ شده است بلکه علاوه بر آن، آن بی حرمتی را  
بیشتر در خیال داشتند.

آن جناب اشرف اجتناب از مراسلات فیما بین را در این  
فقره خواش کرده اند که به آن جناب جلالت مآب لار دکلارن -  
وزیر امور خارجهء دولت انگلیس و به آن جناب وزیر مختار و  
ایلچی مخصوص که حال در راه می باشند رجوع شود اما دوستدار

لابد است که از این خواهش آن جناب اشرف اجتناب کنند زیرا که بنظر دوستداران خواهش محض بهانه و طفره است از ادعای آن تلافی که دولت انگلیس آنقدر حق دارد که دوستدار مکرر به آن جناب اشرف اظهار داشته و زیاده خواهی هشمند بوده و هست وقتی که این سفارتخانه را به ایلچی مخصوص تازه دولت انگلیس نسیپارد گفتگوهای متغیرانه در میان باشد و چون نبودن حرفهای تغییر آمیز که فیما بین به حدی نافع است برای دوستی بعد از این فیما بین دولت ایران و جناب وزیر مختار دولت انگلیس دوستدار در خیال داشت که به این جهت اولیای دولت ایران مراقب می شدند بدون تعویق و تعطیل بزودی مطالبه دوستدار به عمل آید.

اولیای این دولت به هیچوجه نمی توانند شبهه نمایند که جناب وزیر مختار به همان طور که دوستدار این فقره را ملاحظه کرده جناب وزیر مختار هم همانطور مشا هده می نماید (احتمالاً) می رود که جناب وزیر مختار چنین خواهند دانست که این وقایع سبب کافی است که زیاده برای آنها مطالبه تلافی نمایند. اگر مطالبه دوستدار را در این ما بین اولیای دولت قبول نمی کنند جناب وزیر مختار دولت انگلیس بعد از اطلاع بر تفصیلات این مقدمه به جهت دلخوری این بی حرمتی که به دولت انگلیس وارد آمده در راه به همان طور خواهند نمود که دوستدار لابد شد در اجتناب کردن از تشریفات رسمانه مستمره از طرف آن جناب اشرف از برای اولیای دولت ایران جای تعجب نباید بشود چون دوستدار قلباً خواهشمند است که فیما بین دولتین کمال اتحاد و یک جهتی مسلوک باشد.

دوستدار با زکوشش می‌کنند تا اولیای دولت ایران بدون  
تعویق و تاخیر مطالبهٔ دوستدار را انجام بدهند و به این طور  
معلوم کنند که اظهارات دوستی و احترام که از برای دولت  
انگلیس می‌نمایند صحت و ماصدق دارد چون جدوجهد... (۱)  
دوستدار را نمود به خیال اینکه اولیای دولت ایران آنچه  
لایق شان دولت انگلیس است درست بدانند حالا همین قسدر  
دوستدار قلباً و جفا اظهار می‌دارد که اولیای این دولت مجدداً  
در فکر داشته باشند این بی‌حرمتی بزرگ را . و اگر احیاناً این  
فقره من بعد به نتایج موهم و سخت بکشد اولیای ایران در خاطر  
خواهند داشت که آن نتایج از هرگونه باشد فقط بر ذمهٔ اولیای  
دولت ایران خواهد شد .

(۱۵)

### سواد کاغذ طامسن صاحب

جناب اشرف ارفع مجد محبان استظها را مشفقا معظما  
امشب چند نفر از شاهزادگان و امرا به این سفارتخانه تشریف  
آورده بودند که با نواب شاهزاده فرهاد میرزا گفتگو نمایند از  
طرف اولیای دولت ایران. چون به سمع دوستدار رسید به بود  
که در مجلس مشورت دیروز دو نفر از شاهزادگان حرفی زده بودند  
که لایق شان ایشان و حرمت سفارتخانه نبود یعنی گفته بودند  
که می‌رویم یا شاهزاده را از آنجا به زور می‌کشیم و یا (( با )) قمه  
شکمش را در همانجا پاره می‌کنیم.

دوستدار به یکی از ایشان که نواب حسام السلطنه باشد  
رسانیده بود که افسوس دارم که نمی‌توانم در این سفارتخانه  
بگذارم. تشریف بیاورید، و ایشان هم می‌آمدند. ولیکن شاهزاده  
دیگر - محسن میرزا - بی‌اینکه اخبار بدهند که اراده تشریف  
آوردن به اینجا را دارند آمدند.

در این صورت بردوستان لازم شد که به ایشان به توسط

عالی‌جاه بلند جایگاه حکیم صاحب این سفارت خبر بدهد که بودن ایشان در این سفارت به آن مقالات که به ایشان نسبت داده بودند خلاف رضا نیت دوستدار بود.

چون ایشان پیغام دوستدار را به توسط عالی‌جاه بلند جایگاه حکیم صاحب شنیده بودند اگر چه لازم نبود دوستدار خود به اطاقی که شاهزاده نشسته بودند به سبب حرمت دودمان سلطنت رفت به ایشان اظهار می‌داشت که چون چنین حرفها به آن دوشاهزاده نسبت داده بودند دوستدار هم یقین داشت که زده بودند لابد تکلیف نماید که ایشان از سفارتخانه تشریف ببرند و در همان وقت هم اظهار می‌داشت در حضور آنها که حاضر بودند که هر کس که باشد خواه شاهزاده و خواه ((از)) امرا و خواه از نوکرهای پادشاه ایران هر کدام که به سفارتخانه تشریف می‌آورند خوش آمدند بعد شاهزاده حمزه میرزا گفته بودند معنی اینها این است که ما هم برویم؟ دوستدار جواب داد خیر شماها که تشریف آورده‌اید خوش آمده‌اید اگر میل دارید تشریف ببرید اختیار با خودتان است یا میل به تشریف داشتن دارید خانه خانه خودتان است.

چون دور نیست که بطور دیگر وانمود نمایند لازم دید که این دو کلمه را از بابت اطلاع بنگارد.

حرفی شب جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۱۶)

(( نامه طامسن صاحب به میرزا آقاخان نوری ))

جناب اشرف امجدارفع محبان استظها را مشفقا معظما  
مراسله آن جناب اشرف مورخه شب جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی  
رسید. در باب شیرینی تهنیت عید در خاطر آن جناب هست که  
یک روز قبل از عید دوستدار نوشته بود که اگر اولیای دولت  
ایران بخواهند به اقتضای قانون مرسومات متداوله را بفرستند  
انفاذ ندارند، زیرا که مادام رفع نشدن آن بی احترامی  
نمی‌توانند آن مرسومات را قبول کنند با وجود آن ابلاغ ارسال  
داشته بودند و دستدار لابد بود پس بفرستد بخصوص تفقدا علی -  
حضرت پادشاهی از غفلت نوکرهای سفارت با اینکه آن شیرینی  
اختصاص به اولیای دولت داشت دریافت آن اندکی بطول  
انجام مید ولیکن همان آن که معلوم شد شیرینی انفاذی اعلی -  
حضرت همایون است فوراً با توقیر و تکریمی که لازم بود دریافت  
شد.

در باب نواب محسن میرزا از مضمون کاغذ آن جناب

اشرف چنین استنباط می‌شود که قبل از فصول رفعه که در این باب شب جمعه نوشته و ارسال گردیده این شرح را نگاشته اند و الا با استحضار از حرفهای نواب حسام السلطنه سلطان مراد میرزا و نواب محسن میرزا در مجلس مشورت، دوستدار مترصد این بود که هنگام ظهور آن صحبت‌های نالایق در همان مجلس مؤاخذه زیاد از آنها بعمل می‌آمدند این که طرفداری آنها را نمایند. اگر این صحبت‌ها را اولیای دولت ایران مانند دیگران مناسب ندانند حال هم دیر نشده است از این تفصیل در هر دو فقره آشکار و واضح است که ایرادی به این طرف وارد نمی‌گردد.

و اما بر فرض اینکه چنین نبود معلوم است دوستدار رفتار خود را خواهند پسندید که ترضیه دادن را لازم نخواهد دانست - چون کسی خود را ترضیه نمی‌تواند بدهد - می‌بایست این ترضیه از جناب لار دکلارندن وزیر امور خارجه دولت انگلیس بشود . و اگر بعد از این بیان آن جناب اشرف با زاگرایین ترضیه را حق خود می‌شمارند دوستدار به هیچوجه مضایقه ندارد یا خود این فقرات را به جناب لار دکلارندن وزیر امور خارجه دولت انگلیس اظهار بدارد یا اگر مایل باشند اظهارات اولیای دولت ایران را با کمال خوشنودی ارسال خواهد داشت .  
زیاده زحمت ندارد .

حررفی یوم جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۱۷)

از جانب جناب اجل اشرف  
مدراعظم - دام اجلاله - به طامسن صاحب

کاغذ آن جناب به تاریخ یوم جمعه ۱۵ ((شهر ربیع الثانی))  
در جواب کاغذ دوستدار مورخه لیل جمعه ۱۵ ((شهر ربیع الثانی))  
رسید.

در باب شیرینی تهنیت عید سال انگلیس نگاشته بودند  
که یک روز قبل از عید به دوستدار اظهار داشته بودند که ما دام  
رفع نشدن مقاولات فرهاد میرزا، مرسومات متداوله را انفاذ  
ندارند که آن جناب نمی توانستند قبول کنند به این جهت شیرینی  
دوستدار را رد کرده و تفقد اعلی حضرت شاهنشاهی را قبول کردند.  
بلی چنین رقعہ از آن جناب ملاحظه شد اما همان روز به نگارش  
جواب مفصل اقدام رفت، چون جوابی از آن جناب بر مراسله  
مزبورہ دیگر نرسید - و سکوت محمول بر رضا بود - و علاوه بالذات  
آن جناب را در نگارش آن رقعہ ذی حق نمی دانست صبح عید  
شیرینی انفاذ گردید شیرینی دوستدار را رد کردند و تفقد

ملوکا نه را بعد از استخفاف بین که اول رد کرده بودند در ثانی قبول نمودند و بعد عالی جاہ محمد حسن خان را هم که از جا نسب همایون به جهت تبریک به سفارتخانه آمدہ بودند پذیرفتند .

اگر رقعہء یک روز قبل از عید خود را کہ بہ آن مستمسک شدہ اند فقط راجع بہ مرسومات دوستدارانستہ اند آنطور قبول کردن تفقد ملوکا نہ و بعد نپذیرفتن عالی جاہ محمد حسن خان را کہ در نفس الامر صورت پادشاہ بود چہ معنی قرار دادہ اند و بہ چہ ملاحظہ این بی احترامی بین را نسبت بہ شان سلطنت ایران روا داشتند؟ و اگر رقعہء مزبورہ را راجع بہ دولت و اولیای دولت نمودہ بودند تفکیک و تجزیہء شیرینی چہ بود؟

در خصوص نواب محسن میرزا ہم کاغذ خط فرہا دمیرزا در دست است کہ بہ غیر از نواب مستطاب والا شاہزادہ حسام السلطنہ ہر کس دیگر از شاہزادگان و امنای دولت میل دارند تشریف بیاورند البتہ بہ حسن قبول تلقی خواہد شد . اگر آمدن نواب محسن میرزا ہم مکروہ خاطر آن جناب بود قبل از وقت می بایست اعلام شود البتہ مثل نواب حسام السلطنہ حفظ احترام خود را مراعات کردہ نمی آمدند و دعوت و بلافاصلہ وارد آوردن خفت هیچ تاویل پذیر نیست . علاوہ آمدن شاہزادگان عظام و امنای دولت از برای ملاقات فرہا دمیرزا بود ما دما کہ شاہزادگان و چاکران دولت در آنجا بودند در حقیقت آن یک اطافا ز سفا رتخانہ مثل خانہء مخصوص برای فرہا دمیرزا حد می شد دخلی بہ آن جناب نہ داشت کہ این طور بی احترامی را نسبت بہ نواب معزی - الیہ و سایرین قصدا بعمل آورند .

و اینکه آن جناب نوشتہ اند رفتا رخود را در ہردو فقرہ پسندیدہ اند و دو ترضیہ دادن را لازم نخواہند دانست در صورتی کہ آن جناب رفتا رخود را در دو بی احترامی بین و آشکار نسبت

به دولت ایران بپسندند و ترضیه دادن را لازم ندانند چگونه به اولیای این دولت تکلیف می‌نمایند که از بی‌احترامی موهومی که به دولت انگلیس ادعا می‌نمایند و آرد آمد است و هنوز اولیای دولت ندانسته‌اند آن بی‌احترامی چه چیز است ترضیه بعمل آورند؟ بدیهی است اولیای دولت ایران هم رفتار خود را نسبت به فرهاد میرزا پسندیده‌اند دیگر چه جای تلافی خواهد بود؟

این عبارت آن جناب که نگاشته بودند کسی خود را ترضیه نمی‌تواند بدهد می‌بایست این ترضیه از جانب جناب وارد کلارندن وزیر امور خارجه دولت انگلیس بشود، صدقش ایمن است که درست مفهوم نشد و علی‌الظاهر معنی بر آن مترتب نگردید واضح تر قلمی دارند تا مقصود معلوم گردد.

و در هر صورت آن جناب عمدا و قصدا دوی بی‌احترامی بزرگ و بین نسبت به این دولت وارد آورده‌اند که دولت ایران لابد و ناچار است مطالبه ترضیه از آن جناب نماید و منتظر است که قرار این دو ترضیه عمده را که بواسطه رفتار خود آن جناب لازم آمد است چه نوع خواهند داد.

علاوه از قراری که معلوم و محقق شد آن جناب در منزل خود نسبت به اولیای این دولت پاره‌ای سخنان و الفاظ ادا نموده و می‌نمایند که هیچ شایسته و مناسب شان دولت نبوده و نیست و تا حال هیچ اتفاق نیفتاده است که ما مورد دولتی در پایتخت دولت دیگر که مهمان آن دولت محسوب می‌شود<sup>(۱)</sup> چنین الفاظ نامناسب ادا نماید. نمی‌دانند که این رفتار و اقوال آن جناب را به چه حمل نماید.

حررفی یوم یکشنبه ۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۱۸)

(( نامهء میرزا آقاخان نوری به طامسین ما حسب ))

جناب مجدت و معدلت همراهها، نجات فحامت پناها، دوستان  
استظهارا را مشفقا مهربانا کاغذ آن جناب به تاریخ جمعه  
۱۵ شهرربیع الثانی رسید. چون در مراسله (( ای )) که دیشب شب  
جمعه ۱۵ (( شهرربیع الثانی )) به آن جناب نگاشته شده است  
جواب مفصل و مشروح به کل مطالب آن جناب نگارش رفته است  
لازم ندید که دیگر زحمت بدهد.

جواب همانا است که در ضمن مراسلهء مزبوره نوشته شده است.  
اولیای دولت علیه انتظار آن را دارند که در عوض دوی حترامی  
بسیار بزرگ و عمده که از آن جناب نسبت به این دولت وارد آمده  
است چه ترضیهء شایسته و ثابیان بعمل خواهند آورد به تفصیلی که در  
مراسله لیل جمعه ۱۵ (( شهرربیع الثانی )) نگاشته شده است.  
زیاده مطلبی ندارد.

حررفی یوم جمعه ۱۵ شهرربیع الثانی (( ۱۲۷۱ ))

(۱۹)

ترجمه کاغذی که طامسن صاحب - شازده فردر - دولت  
انگلیس - به میرزا آقاخان - صدراعظم دولت ایران  
- به تاریخ ۱۶ شهر ربیع الثانی نوشته

مراسله جناب اشرف میرزا آقاخان ، صدراعظم اعلی -  
حضرت پادشاه ایران به دستخط گذارنده شازده فردر دولت انگلیس  
مورخه پانزدهم شهر ربیع الثانی در خصوص فقره نواب شاهزاده  
فرهاد میرزا رسید ، چون دستخط گذارنده هرکوشش وجدوجهدی  
که داشت به نهایت رسانید با آن تلافی که آن قدر حق داشت از برای  
بی احترامی که عمدا و قصدا اولیای دولت ایران به دولت  
دستخط گذارنده نمودند حالا لابد شد که به اولیای دولت ایران  
اطلاع بدهد که اگر تا سه روز بعد از تاریخ این مراسله آن تلافی  
را که مطالبه کرده بعمل نیاید مصرحا و رسما به اولیای دولت  
ایران اظهار می دارد که نواب مستطاب شاهزاده فرهاد میرزا را  
با عیال و اموال شاهزاده ، دارنده حمایت دولت علیه انگلیس  
خواهد شد و دستخط گذارنده در دادن این اطلاع به اولیای

دولت ایران برعهده خود می‌شمارد که صریحا اظهار بدارد که چون  
خود اولیای دولت ایران سبب شدند مراسلات رنجش آمیز را، که  
در این فقره اتفاق افتاد باز خود اولیای دولت ایران از  
انکار مطالبه حقوق و مطالب منصفانه سبب خواهند شد که  
شاهزاده را در حالتی نگذارند که دستخط گذارنده آن جناب  
را گذارده بوده اما از رفتار با عمو و قصدا ولیای دولت ایران  
بوده و بر اولاد شد و اولیای دولت ایران هر نتیجه از نتایج  
که من بعد به ظهور برسد، از اینکه اولیای دولت ایران دست  
(خط) گذارنده را در انحصار این عمل - که فقط از برای او  
مانده بود - لابد نمودند که از برای حفظ شان آن دولتی که از  
ما موریت آن دستخط گذارنده مفتخر و مباہی است بر ذمه خود  
اولیای دولت ایران خواهد شد.

(( ۱۶ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱ ))

(۲۰)

### جواب کاغذ طامسن صاحب

مراسله مورخه ۱۶ شهر ربیع الثانی براقم این مراسم  
مدرا عظم و شخص اول دولت اعلیٰ حضرت پادشاه ممالک ایران  
از طرف جناب طامسن صاحب شازده فرا علی حضرت پادشاه انگلستان  
رسید.

حقی که برخود، آن جناب قرار می دهند چندین دفعه در  
ضمن مراسلات رسمانه از این طرف اظهار شد که بی جهت و بلا دلیل  
است بعلاوه در باب حمایت از فرهاد میرزای مقصود و متمرّد این  
دولت فقراتی من باب نتیجه نوشته بودند کدام پادشاه مستقل  
در مملکت خود نسبت به نوکر متمرّد از حکم تمکین این گونه  
مواعید فتنه انگیز از احدى می نمایند؟ بالذات این نوع  
اظهار آن جناب در نظر اولیای این دولت لازم الجواب نیامد.  
علاوه بر این از بدو اقدام آن جناب به این کار و طرز  
رفتار و سختگیریهای بی جهت و بهانه جوئیها که نمودند این  
خیالات مفسده انگیز محال را از آن جناب دریافت کرده بودند.

در هر حال اولیای دولت ایران افسوس دارند که موافق نوشته مورخه شب جمعه ۱۵ ماه (۱) بحکم همایون سرکار علی حضرت پادشاه ولی نعمت خود معذور از مکاتبه رسمیه به آن جناب در باب فرهاد میرزای متمرده میباشند که به اقتضای وقت رفع این مقالات را به انصاف معقولانه جناب وزیر مختار و ایلچی مخصوص آن دولت که در راه هستند نمایند (( یا )) بلا واسطه با جناب وزیر امور خارجه علی حضرت پادشاه ممالک انگلستان سوءال و جواب نمایند. و از این قرار که آن جناب من غیر حق در اجرای مقصود غیر حقه اصرار و ایستادگی می نمایند بطریق اولی حق بر اولیای این دولت می دهند که بعد از این بر آنچه مصلحتی امور ملکی و دولتی و حفظ پاس شان سلطنتی اقتضا نماید عمل کنند. و هر نتیجه که از این نوع مطالبات مصرانه غیر حقه آن جناب روی دهد بر عهده خود آن جناب خواهد بود. و کاغذ مورخه ۱۶ (( شهر ربیع الثانی )) آن جناب را در باب حمایت فرهاد میرزا موافق تفصیل فوق لایند که ترسیده و ندیده محسوب دارند. زیاده زحمت افزا نشد.

فی یوم یکشنبه ۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

---

۱- مقصود پادشاه است یعنی پادشاه هم ربیع الثانی.

(۲۱)

سوادکا غذ طامسن صاحب به جناب اشرف امجد ارفع  
صدراعظم - دام بقائش -

مراسله آن جناب اشرف مورخه هفدهم ربیع الثانی  
رسید. چون نگاشته بودند که یک فقره از کاغذ دوستدار مبهم  
بود و بیا آن را خواسته بودند لهذا مینگارد و در خصوص اینکه  
دوستدار نمی تواند خود را ترضیه نماید اگر فرضا دوستدار منکر  
شده بود که شیرینی اولیای دولت را پس نداده با اینکه به  
شاهزاده محسن میرزا تکلیف نکرد که از سفارتخانه بیرون تشریف  
ببرید در چنین صورت آن جناب اشرف می توانست بعد از ثبوت  
اظهارات خود ترضیه بخواد ولیکن به این طور نیست.  
دوستدار تصدیق دارد که شیرینی آن جناب اشرف را که بر  
خلاف اظهار صریح دوستدار فرستاده بودند لابد گردیده پس داد  
و همچنین به جهت حرفهای نامناسب و رکیک و نالایق که شاهزاده  
در مجلس زده بودند لابد بود که به آن طور رفتار نماید و حالا هم  
با اظهار می دارد که تا دوستدار بزرگ این سفارت می باشد

راضی نخواهد شد کہ این دوشا ہزارہ را بہ ہیچوجہ در سفارتخانہ  
پادشاہ انگلستان راہ بدہد .

چون کسی در این ولایت از خود دوستدار نیست کہ منصبش  
بالاتر باشد و دوستدار کا رخود را می پسندد معلوم است اولیای  
دولت ایران از کسی می بایست ترضیہ بخوانند کہ حکم او بر  
دوستدار جاری باشد و از این سبب بود کہ دوستدار نوشت در این  
باب می بایست ترضیہ را از جناب لارڈ کلارندن وزیر امور خارجہ  
دولت انگلیس خواست . اگر گفتگو در حق کسی بود کہ در زیر  
حکم دوستدار است آن وقت جا داشت کہ ترضیہ او را از دوستدار  
بخوانند .

در خصوص اینکه نوشته بودند پادشاہی سخنان نامناسب  
کہ شایستہ شان دولت نبود زدہ شدہ است ، در این خصوص بہ آن  
جناب اشرف خلاف اظہار شدہ است . الفاظ و سخنها همان بود کہ  
در مراسلہء سابق نگاشته شدہ و نسبت بہ عموم جا کران اعلیٰ -  
حضرت پادشاہی احترامی کہ بالاتر از آن نمی شد بعمل آمد .  
بخصوص اطاق ، دوستدار اظہار می دارد کہ در این سفارتخانہ  
اطاق شخصانہ نیست ہمہ از بزرگ و کوچک متعلق بہ دولت است .  
در خصوص مقرب الخاقان محمد حسن خان ، چون در روز  
عید سال نو قاعدهء دوستدار ہموارہ این است کہ اشخاصی را کہ  
بہ مبارک بادی می آیند ملاقات کنند و بعد بہ بعضی اشخاص کہ  
تبعہ ورعیت دولت انگلیس ہستند دیدن نماید دوستدار بہ  
دیدن آنها بیرون رفتہ بود ہیچ نشنیدہ بود کہ مقرب الخاقان  
محمد حسن خان بہ اینجا آمدہ ، از عالی جاہ میرزا فضل اللہ کہ  
اورا در منزل جناب وزیر امور خارجہ دیدہ بود شنید و الا پر  
بدیہی است کہ چون تفقد اعلیٰ حضرت ہمایون را پذیرفتہ  
بود نوکر اعلیٰ حضرت پادشاہ را (( کہ )) از جانب اعلیٰ -

حضرت همایون به مبارک بادی می‌آید به آن حرمت و احترام که در این مراحل طریقهء دوستدار است با کمال خوشنودی معمول می‌داشت . و اگر موافق قاعده از پیش اعلام داده بودند که مقرب الخاقان محمد حسن خان از جانب اعلیٰ حضرت پادشاهی می‌آید از برای ملاقات او حاضر و آماده می‌گردید .

حرفی یوم یکشنبه ۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

## بطامسن صاحب نوشته و فرستاده شد

نواب فرهاد میرزا پس ((از)) ملتفت شدن بر قبح حرکات خود و بر معایب و خطرات راهی که اختیار نموده بود اظهاریت کرده در باطن بحضور همایون واسطه ها برانگیخت. از آنجائی که عفو و اغماض جلی ذات اقدس همایون شاهنشاهی - روحی فداه - بود قلم عفو بر این حرکات و خیالات او بتوسط و شفاعت کشیدند چنانکه نواب معظم الیه دیشب که شب دوشنبه ۱۸ ماه ربیع الثانی بود از آن سفارتخانه خود سربه استظهار و اطمینان بالطف همایون بیرون آمده رفتار حال و استقبال خودش را بر کمال اطاعت ولی نعمت خود گذارده از تمرد، اظهار ندامت و طلب عفو و اغماض نموده مثل عموم شاهزادگان و جاگران دیار همایون بی هیچ تفاوت امیندواری و چشم داشت خود را منحصر به مرحمت و اعطاف شهریاری - روحی فداه - بی حمایت و مداخله احدی از دول متحابه قرار داده در ظل رافت همایون راه می رود، و سرکار اقدس همایون شاهنشاهی - روحنا فداه -

فرمودند به آن جناب اعلام شود که اگر چه این دفعه این غائله ها یله و این هنگامه عظیمه که از عدم التفات آن جناب در مراسم دولتخواهی برخواسته بود به قسمی که سمت تطیر یافت رفع شد ولی ولیای دولت ایران چشماشت آن را در دوستی و مودت دولتین دارند که من بعد آن سفارت به دست اعیان و نوکر ورعیت این دولت اسباب این طور مرارت برای طرفین نگردد و عظم این سلطنت در نظربیگان و بومی گاهنده نشود.

یقین حاصل است که سفارت آن دولت از راه کمال مآل - اندیشی و دولتخواهی بعد از این از تجدید اوضاع که به نحو مسطور مرفوع شد و از رفتاری که به سبب سستی به لسان سلطنت مآب گوزید و باعث بدعوائی اهالی آشوب طلب ایران و دست آویز بعضی حرکات سفراء سائیدول همسایه گردد احتراز خواهند کرد و بهتراز این رعایت دوستی و اتحاد دولتین را نموده در حسن رفتار و در حفظ ثامن و عظم در استقلال سلطنت ایران که همیشه دولت انگلیس در این خیال بوده و هست سرمشق همگنان خود خواهند نمود.

زیاده زحمتی ندارد.

حررفی صبح روز دوشنبه ۱۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۲۳)

ترجمهء کاغذ طامسن صاحب

بجهت اطمینانها که در دستخط همایون اعلیٰ حضرت  
پادشاهی به نواب شاهزاده فرهاد میرزا داده شده بسبب اطمینان  
تشویشهایی که شاهزاده برای جان داشت رفع شد و مالک ضبط  
نموده بودند مسترد کردند. حالا از برای دستخط گذارنده ممکن  
نیست آن تلافی را که مطالبه نموده بود از برای بی حرمتی که  
به دولت خود وارد شده بود قبول نماید لهذا دستخط گذارنده لابد  
شد که با زبانه جناب اشرف میرزا آقاخان صدراعظم اعلیٰ حضرت  
پادشاهی مجدداً اظهار نماید که اولیای دولت ایران دستخط  
گذارنده را مطلع سازند که آیا منظور اولیای دولت ایران انکار  
کلی از تلافی دادن است والا به چه طریق خیال دارند از رفتاری  
که از آن دستخط گذارنده بلاحرف و آشکارا نقد رحق داشت که  
شکایت کنند ترصیه نماید؟

راقم این مراسله شارژدفر دولت انگلیس به جناب  
اشرف میرزا آقاخان صدراعظم اعلیٰ حضرت پادشاه ایران به

تاریخ ۱۸ شهر ربیع الثانی نگاشته بود که اولیای دولت ایران دستخط گذارنده را مطلع سازند که منظور دارند تلافی بی حرمتی را که به دولت انگلیس وارد آوردند بعمل آورند یا نه؟ چون تا بحال در جواب آن مراسله مبادرت ننمودند دستخط گذارنده لابد است که باز قویا مطالبه کنند که اولیای دولت ایران مقصود خودشان را صریح بنگارند و جواب کافی قلمی دارند.

والسلام.

(۲۴)

بشارژد فرانگلیس نوشته شد

مراسلهء مورخهء روز دوشنبه ۱۸ شهر ربیع الثانی آن جناب رسید. در باب فرهاد میرزا به آن طور که اظهار کرده بودند تفصیل مراتب را دوستدار در ضمن مراسلهء خود مورخهء همان تاریخ مسطور فوق پیش از وصول مراسلهء آن جناب قلمی و ارسال داشت دیگر حاجت اظهار مجدد آن جناب که رجوع به تفصیل مزبور نمایند نبود.

در باب فقره تلافی بازاعادهء مطلب نموده بودند آن جناب ادعا دارند نسبت به دولت انگلیس بی احترامی وارد آمده و این یک امر مفروضی است که اولیای این دولت با دلیل و حقانیت اذعان بر آن ندارند و نمی دانند بی احترامی به چه واقع شده است؟ و حرف اولیای این دولت این است که بی - احترامی های متعدده از آن جناب نسبت به شان این دولت واقع گشته که هیچ کدام محل انکار نیست. از آن جمله شیرینی اعلی حضرت شاهنشاهی - روحی فداه - را در اول رد کردند و در شاهی

به آن طور استخفاف قبول نموده اند که مثل پس فرستادن بود ،  
و عالی جا ه مقرب الحضر محمد حسن خان نایب ایشیک آقاسی  
باشی را کسان آن جناب با اینکه در آن ساعت در سفارتخانه  
بودند و به جائی نرفته بودند بالباس درباری از در خانه به  
سفارت برگردانیدند - که صورت پادشاه بود - ، و رفتار تغییر  
آميز نسبت به نواب شاهزادگان بزرگ و نوکران محترم این  
دولت در منزل بعمل آوردند و نواب و الامحسن میرزا را با جبار  
و اکراه از منزل خود بیرون کردند و در این صورت لازم می آید  
مجلسی دوستدار به آن جناب ملاقات کند ، بی احترامی مفروض  
آن جناب با بی احترامیهای موجود این دولت بنظر انصاف  
دیده شود حق به جانب هر کدام از طرفین باشد تلافی در حق او  
بعمل آید .

بدیهی است که اولیای این دولت با داشتن حقوق  
ترضیه های واضح و آشکار نمی توانند اقدام به عمل آوردن یک  
ترضیه نمایند که نمی دانند سبب آن چه چیز است .

حررفیلیل ۲۱ شهر ربیع (( الثانی )) ۱۲۷۱

(۲۵)

ترجمهء کا غذا مسن صاحب - شازدہ فرد دولت انگلیس۔

بصدرا عظم دولت ایران (( که در ))

۲۳ شهر ربیع الثانی نوشتہ

مراسلہء جناب اشرف میرزا آقا خان صدرا عظم اعلیٰ حضرت  
پادشاہ ایران ۲۱ شهر ربیع الثانی بہ دستخط گذارندہ شازدہ  
فرد دولت انگلیس رسید. در ضمن آن مراسلہ نگاشتہ بودند کہ  
ملاقات حاصل گردد بخیال اینکه حرف تلافی کہ اولیای دولت  
ایران باید بعمل بیاورند برای بی حرمتی نسبت بہ دولت  
انگلیس بہ انجام برسد چون در این فقرہ بوجہ تام و تمام گفتگو  
شدہ است - در وقتی کہ دستخط گذارندہ پیش از این آن جناب  
اشرف را ملاقات کرد - و ہم در نوشتجات زیاد کہ رد و بدل شدہ  
است و در آن نوشتجات حق تلافی آن قدر مفصلاً و مصرحاً نگاشتہ  
شدہ است کہ دستخط گذارندہ بطور وضوح معتقد است کہ از ملاقات  
دیگر در این خصوص هیچ فایده حاصل نخواہد شد.

لہذا بر عہدہء دستخط گذارندہ است بہ اولیای دولت ایران

اظهار پیدا رد چون بی‌حرمتی که نسبت به دولت انگلیس شده است از خود اولیای دولت ایران ناشی گردیده مطالبه می‌نماید و منتظر است که بدون تعویق و تعطیل اولیای دولت ایران همان تلافی را که به جا مانده است بعمل بیاورند. یعنی ولیای دولت ایران به دستخط گذارنده تاسف و معذرت خود را معلوم خواهند کرد از برای آنچه اتفاق افتاده است و دستخط گذارنده مترصد است که اولیای دولت ایران فوراً و معجلاً روزی معین نمایند تا در آن روز همان تاسف و معذرت را در این سفارتخانه به جا بیاورند.

در خصوص مطالبه آن جناب اشرف برای تلافی از دستخط گذارنده در خصوص رد کردن شیرینی تهنیت اولیای دولت و نواب محسن میرزا، اولیای دولت ایران می‌بایست مستحضر باشند که این فقرات اصلاً مناسبت ندارد با حرف تلافی که برای دولت انگلیس مطالبه می‌شود. دستخط گذارنده پیش از این بطور توضیح و تصریح به اولیای دولت ایران اشاره کرده است که آن فقرات را کسی که مسلط تر از دستخط گذارنده باشد باید به اتمام و انجام برساند و به جناب لاردرکلارندن وزیر امور خارجه اعلی حضرت پادشاه انگلستان راجع می‌گردد و جناب معظم‌الیه بی‌شبهه در این باب بدون طرفداری موافق انما فقرار خواهند داد.

(۲۶)

جواب کا غلط مسن صاحب

مراسله آن جناب (( مورخه ۲۳ شهر ربیع الثانی  
رسید . اینکه نوشته بودند از مجلس ملاقات فایده حاصل نخواهد  
شد از این قرار معلوم است که بنا به هیچوجه برای این نیست که بر  
خفتهای عدیده که در زمان قلیل به این دولت روا داشته اند  
نه مکتوبانه ملاحظه اذعان نمایند ، بلکه بر اصرار خود باقی  
هستند به جهت بی حرمتی موهومی که هنوز به اولیای این دولت  
معلوم نیست منظور دارند که بر ذمه دولت ایران ترضیه ای که  
موجب خفت تازه در ... (۱) باشد وارد آورند ، در این صورت  
اولیای دولت ایران هم شریک اعتقاد آن جناب هستند که این  
مجلس مفید فایده نخواهد (( بود )) و رفع این گفتگوهای ناگوار  
نخواهد شد .

اما اولیای دولت خوشوقتند از اینکه آن جناب به جهت

---

۱- یک لغت خوانده نشد .

تمییز و تعیین تلافی خفتهائی که آن جناب نسبت به دولت ایران به آن تفصیل جایز دانسته اند ایشان را راهنمایی بسوی ثالثی و منصفی مثل جناب لاردرکلارندن وزیر امور خارجه آن دولت کرده اند که به انصاف و حقانیت مشهور و معروفند و اولیای این دولت نیز کمال حسن ظن و اطمینان از خیر خواهی ایشان نسبت به دولتیین دارند. اولیای این دولت بسیار راضی میشدند که فقرهء تلافی و بیحرمتی ادعائی آن جناب را هم که هنوز اولیای این دولت نفهمیده اند سبب و مایه (( آن چیست )) به انصاف جناب معظم الیه محول دارند تا هر طور که تشخیص بی - غرضانه در این دو خصوص دارند معمول آید و علی العجلاله از ترک این نوع مکاتبات برودت آیات برای طرفین آسودگی حاصل گردد.

و اگر آن جناب به جهت رفع خیالات مردم و تاویلات عوام - الناس که در این چند روز بواسطه آن قسم رفتار آن جناب شده و بالسنه و افواه خلق افتاده است سبقت ملاقات به اولیای این دولت نمایند محض کمک و همراهی برای رفع آن خیالات مضایقه نخواهد شد که جناب نظام الملک<sup>(۱)</sup> بفاصله یک روز به ملاقات آن جناب بیایند تا اسباب الفت متزاید گردد و این تصورات از نظر محو شود.

۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

۱- میرزا کاظم خان نظام الملک یسر میرزا آقاخان نوری بود.

(۲۷)

ترجمهء کاغذی که طامسن صاحب به جناب صدراعظم  
دولت ایران به تاریخ ۲۵ ربیع الثانی نوشته است

مراسلهء جناب اشرف میرزا آقاخان صدراعظم اعلیٰ حضرت  
پادشاه ایران به تاریخ ۲۴ شهر ربیع الثانی به دستخط  
(گذارنده) شارژدفر دولت انگلیس رسید به این مضمون که  
جناب نظام الملک به استحکام مبانی مؤلفه بدیدن دوستدار  
تشریف خواهند آورد.

اگر دستخط گذارنده اول از آن جناب اشرف دیدن نماید  
دستخط گذارنده جهت ودلیل نخواهد پرسید که چرا اولیای دولت  
ایران لازم دانسته اند رعایت این شرط را، زیرا که دستخط  
گذارنده آن قدر زیاد قلبا خیرخواه دولت ایران است که در  
ملاحظه استحکام اساس مراوده و اتحاد و دوستی فیما بین دولتین  
علیتین که پیوسته دستخط گذارنده طالب و راغب حفظ آن می باشد  
نمی تواند بگذارد که بعضی مرسومات جزئی به عث سد آن ابواب  
گردد، علی هذا دستخط گذارنده به اولیای دولت ایران اظهار

می‌دارد که صبح فردا که سه‌شنبه ۲۶ شهر ربیع‌الثانی است جناب  
 اشرف‌صدراعظم دولت ایران را دیدن می‌نماید مشروط بر این  
 که فردای آن روز جناب نظام‌الملک به ملاقات دستخط گذارنده  
 تشریف بیاورند و از طرف ولیای دولت ایران معذرت بخواهند  
 برای رفتار ناگواری که ولیای دولت ایران نسبت به دولت  
 انگلیس وارد آورده بودند.

(( ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۷۱ ))

(۲۸)

رقعه جناب صدراعظم به طامسن صاحب

اراده ملاقات دوستدارا برای فردا صبح که روز سه شنبه  
با شداظهار نموده بودند کمال خوشوقتی حاصل آمد .  
معلوم است پس از آنکه از آن جناب اقدام دریافتن حاجات  
دوستی و مراوده بشود از اولیای این دولت خلف وعده برروز  
نخواهد کرد . به یک روز فاصله جناب نظام الملک به ملاقات  
آن جناب خواهد آمد و فردا صبح دوستدار در خلوت نمازخانه  
انتظار آمدن آن جناب را دارد .

(( دوشنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۷۱ ))

(۲۹)

(( از ظا من صاحب به میرزا آقا خان نوری ))

جناب اشرف اجداد رفع محبان استظهار را مشفقا معظما  
دوسه عبارت از کاغذ مورخه ۱۵ شهر ربیع الثانی آن جناب  
اشرف به جهت حاضر نبودن منشی سفارت حالا با کمال تغییر  
ملاحظه شد. در آنجا نوشته شده است بعد از صرف مکیف زیاد و از  
اجماع نوکرها ی مست سفارت ، از آن جناب اشرف خوا هشمند  
است که اسم آن شخص را که چنین دروغی بزرگ گفت معین کرده  
بنویسید و بفرستید .

حررفی دوشنبه ۱۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۳۰)

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظها را مشفقا معظما  
دوروز قبل از این شرحی نگاشته شد که دوسه عبارت از کاغذ  
مورخه شب جمعه پانزدهم آن جناب اشرف را گوینده کدام  
شخص بوده است معین نمایند و بنویسند، تا به امروز جواب  
نرسیده است از نرسیدن جواب کمال تعجب و تحیر حاصل است .  
مجددا و موء کدا از آن جناب اشرف تعیین قائل آن کذب بزرگ  
را می نماید که مشخص شود چون مطلب انحصاری دارد .  
زیاده برای این زحمت نمی دهد .

حرفی ۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۳۱)

### بشارژد فرانگلیس نوشته شد

ر قعه آن جناب در باب ملتفت نشدن به دوسه عبارت از مراسله شب جمعه ۱۵ شهر ربیع الثانی دوستدار بعد از چهار ((روز)) به تاریخ دوشنبه ۱۸ رسید. نوشته بودند حالا با کمال تغیر ملاحظه شد، اسم گوینده آن عبارت را خواش کرده بودند دوستدار تعیین کنند آن جناب خود سواد فارسی دارد منشی سفارت که چند طغری از کاغذهای سوءال وجواب اخیری که همه بخط اوست همیشه در حضور آن جناب بوده است و سهل است به جواب فقرات همان مراسله شب جمعه ۱۵ نیز آن جناب متعرض شده بودند بجز جواب آن یک فقره حالا ملتفت میشوند. با این احوال مراسله اولیای دولت رابی-اعتنائی ملاحظه نمودن و بعد از چهار روز به مقام مطالبه برآمدن که خلاف عبارت در آن مراسله قلمی شده و بایدا سمرای معلوم شود بسیار عجب بود اگر آن جناب مراسله مزبور را به تماشا ملاحظه و دقت ننموده بودند پس چگونه جواب به آن

مراسله قلمی داشتند؟

باری دوستدار نمی‌خواهد در این باب زحمت مجدد بدهد اما چون مطالبه اسم گوینده نموده بودند مختصر مصدع می‌شود که با رفتار تغییر آمیز شبانه آن جناب نسبت به شاهزادگان و امنای دولت در سفارتخانه، گویا احتیاج به دلیل علی‌حده نبوده باشد. بعد از چهار روز ملاحظه تغییر آمیز در مراسله گویا جهتی نداشت، وانگهی اسنادها ئی را که آن جناب از قول مردم به کسان این دولت از قبیل نوابان حسام السلطنه سلطان مراد میرزا و محسن میرزا در مراسلات خود داده‌اند اسم گوینده را هیچ قید ننموده‌اند. پس معلوم است آن جناب اعتقاد ندارد که راوی را باید معین کرد با این احوال تعیین اسامی قائلین و پایی بودن به دلیل و شاهد، تصدیق بلا سبب بنظر می‌آید و لازم نمی‌داند که مجدداً رحمت افزا شود.

(( حرر )) فی ۲۱ ربیع الثانی ۱۲۷۱

(۳۲)

رقعه‌ای که ۲۴ ربیع‌الثانی ((۱۲۷۱)) به طامسین

صاحب نوشته شده

در باب صرف مکیف زیاده که در یکی از نوشتجات به آن  
جناب اظهار شده بود و آن جناب اظهار دلخوری کرده بودند اگر  
چه سابقاً اظهار شد اما معلوم می‌شود که بازمعنی آن عبارت را  
درست مترجم‌حالی آن جناب نکرده است .  
باری مقصود از آن فقره امری بود که باعث مهیج تغییر  
زیاد (!) از آن جناب شده باشد نه چیز دیگر .  
بجهت اطلاع آن جناب زحمت داد .

(۳۳)

کاغذ طامسن صاحب

جناب اشرف امجدارفع محبان استظها را مشفقا معظما  
مراسله آن جناب اشرف در باب آن عبارات ناهنجار که در یکی  
از نوشتجات رسمانه اولیای دولت ایران در خصوص مراتبی که  
با نواب محسن میرزا اتفاق افتاد به تاریخ امروز رسید.  
تا سف دار که این مراسله آن جناب اشرف آن تلافی را  
که حق دارد ادا نمی نماید. امید داشت که آن جناب اشرف در  
همان آن کمترین فقره به اطلاع آن جناب اشرف رسید فوراً و  
معجلاً در همان وقت اولیای دولت ایران خود را مستخلص  
می ساختند از انتساب بی احترامی که عبث و بی فایده وارد آمده  
و نه تنها همین معذرت می خواستند برای آن عبارات که سهوا و  
غفلت در نوشتجات رسمانه اتفاق افتاد بلکه لازم بود بعلاوه  
اظهار می داشتند که آن عبارات رکیکه را انگاشته پندارد و  
منتظر است که اولیای آن دولت در صدد این چاره از آن قرار  
بر آیند والا علاجی نمی ماند بغیر از اینکه این فقره را

به جناب لاردرکلارندن وزیر امور خارجه اعلی حضرت پادشاه انگلستان اظهار دادر دتا جناب معظم الیه ممبر گردند از سبک و سلوک عبثانه اولیای دولت ایران نسبت به رئیس این سفارتخانه از رفتارهایی که عکس جمیع قواعد تحریر مراسلات دیپلماتیک فیما بین ما مورین دول ...<sup>(۱)</sup> است .

حرفی ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۱

#### ضمیمه

درباره پناهنده شدن بهمن میرزا به سفارت روسیه که در صفحات ۳۰ و ۶۸ رساله ۶ حاضران گفتگو شده در نسخ التواریخ می خوانیم (ص ۱۲۲ قسمت مربوط به قاجاریه ج ۳ با حواشی و تصحیح محمد باقر بهبودی چاپ کتایف فروشی اسلامیة به سال ۱۳۸۵):

"... چون این خبر با بهمن میرزا بردند بردهشت خاطر بیفزود. و هم بعضی از شیاطین ناس خاطر او را از خوف و هراس آکنده تر ساختند تا بدانجا رسید که دیگر مجال شکیب نداشت. پس صبحگاهي که آهنگ حضرت پادشاه داشت - چنانکه هیچکس از چاکران او نیز ندانست - چون در عرض راه بدر سرای وزیر مختار روسیه می گذشت، ناگهان از اسب خویش بزیر آمد و بدرون سرای رفت و گفت از بیم عقاب و عتاب شاهنشاه ایران پناهنده امپراطور روسیه شده ام.

دالغورکی وزیر مختار روسیه بیتوانی حاضر حضرت پادشاه شده از در ضراعت زبان به شفاعت او گشود و نیز معروض داشت

که بهمن میرزا را هرگز در حضرت پادشاه گناهی نرفته، بلکه حاجی میرزا آقاسی چون او را خواهرزاده آصف الدوله می‌داند با او طریق معادات و مبارات می‌سپارد، و این همه ساخته و پرداخته اندیشه‌های ناصواب اوست.

شاهنشاه وزیرمختار را رخصت مراجعت داد و میرزا فضل - الله علی آبادی مستوفی را حاضر کرده فرمود به خانه وزیر مختار شو و گناه بهمن میرزا را در محضراویک یک شماره کن. نخستین آنکه با سالار و آصف الدوله در طریق طغیان همدستان گشت و از رسول و رسایل جانبین این معنی مکشوف گشت. دیگر آنکه با والی کردستان و حکام دیگر بلدان و امصارچندان که توانست در تهییج فتنه و فساد مواضع نهاد. و دیگر آنکه با اتحاد دولتین ایران و روس چنان با کارداران روسیه موافقت و موافقت انداخته و چنان باز نموده که اتفاق این دودولت از درتفاق است! اگر کارا را از این گونه می‌ساخت عنقریب مؤالفت این دودولت را به مخالفت می‌نداخت، و قونسل‌های که از قبل دولت روس در گیلان اقامت دارند چنان به فریبش به کارهای ناهنجار تحریض می‌داد که هم به نزدیکی مردم گیلان را به قتل او انگیزته می‌کرد.

بالجمله از این گونه ده گناه بزرگ بر شمردم و میرزا فضل - الله به خانه وزیرمختار شده این جمله را مکشوف داشت و با این همه چون میان دولت ایران و روس رشته مهر و حفاظت محکم بود کارداران ایران به کیفر این گناه طریق عجل نسپردند و عصیان او را به شفاعت اولیای دولت روسیه به سیلاب نسیان محو کردند و گفتند اکنون اقامت او در ایران، دور نیست که مورث و خامتی باشد بهتر آن است که آنچه از خراج آذربایجان ما خود داشته حساب آن را پرداخته کند و از ایران بیرون شده

درمالک روسیه نشیمن فرماید.

پس بهمن میرزا روزی چند در محضر دبیران حضرت و مستوفیان دولت حاضر شده حساب منال دیوانی را بپرداخت و از کارداران دولت رخصت یافته از طریق گیلان به تفلیس شتافت. وزن و فرزند و اموال و اثقال خویش را نیز با خود حمل نموده، بعد از سه سال که از تفلیس و توقف آن اراضی دل آزرده گشت به مملکت قرا باغ تحویل کرد و تا کنون که سال بریکهزار و دو بیست و هفتاد و دو هجری می‌رود در آن اراضی روزگار می‌برد. و اعتمادا السلطنه در باب فوت بهمن میرزا در روزنامه خاطرات خود چنین می‌نویسد (با مقدمه و فهارس از ایرج افشار. انتشارات امیرکبیر. تهران ۱۳۴۵): "روز سه شنبه ۶ جمادی الاول ۱۳۰۱، بهمن میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه در سن ۷۸ سالگی مرحوم شد در قرا باغ".

## فهرست اسامی اشخاص

- آصف الدوله (اللهیار خان) ۹۲، ۳۱  
 امام علی بن ابی طالب (ع) ۲  
 فرانت (کانتل) ۴۱  
 فرخ خان ۳۷، ۴۴، ۴۵  
 اعتماد السلطنه ۹۳  
 افشار (ایرج) ۹۳، ۳۱  
 اقبال آشتیانی (عباس) ۳۱  
 امیر کبیر امیرزا تقی خان ۳۱  
 برجیس ۳۳  
 بهبودی (محمد باقر) ۹۱  
 بهمن میرزا ۴۹، ۴۸، ۱۰  
 ۹۱-۹۳  
 حلیا خان ۳۲، ۱۴  
 حاجی عبدالکریم ۴۵، ۹  
 حاجی میرزا آقاسی ۹۲، ۶، ۱  
 حسام السلطنه (مراد میرزا) ۸۷، ۶۱، ۵۹، ۵۶  
 حمزه میرزا ۵۷، ۵۲، ۵۱  
 خسرو خان ۳۰، ۱۴  
 خوانساری (خانباخان) ۱۰، ۳  
 دالغورکی ۹۱  
 سالار (محمد حسن خان) ۹۲، ۳۱  
 شفیع خان ۳۳، ۲۷، ۱۳، ۱۰  
 شیل (سرجستن) ۴۰، ۱۵  
 طامسن (سرویلیام تیلور) ۱  
 ۵ و ... اکثر صفحات  
 طامری (دکتر ابوالقاسم) ۴۱  
 عباس میرزا (نایت السلطنه) ۹۳، ۴۰، ۳۲، ۱۵، ۱۴، ۱۰  
 امام علی بن ابی طالب (ع) ۲  
 فرانت (کانتل) ۴۱  
 فرخ خان ۳۷، ۴۴، ۴۵  
 فرهاد میرزا معتمد الدوله ۱  
 ۲ و ... اکثر صفحات  
 میرزا فضل الله ۶۹  
 فضل الله علی آبادی ۹۲  
 کارسک ۳۳  
 کلارندن (وزیر امور خارجه انگلیس) ۹۰، ۸۰، ۷۸، ۶۹، ۶۲، ۵۹، ۵۳  
 کلوکه (حکیم) ۳۳  
 محسن میرزا ۵۸، ۵۶، ۵۲، ۵۱  
 ۸۹، ۸۷، ۷۸، ۷۶، ۶۸، ۶۱، ۵۹  
 محمد حسن خان ۷۶، ۷۰، ۶۹، ۶۱، ۵۱  
 محمد شاه قاجار ۴۰، ۳۱  
 مستوفی (میرزا علی نقی) ۵۱  
 مستوفی (میرزا مهدی) ۵۱  
 میرزا موسی (وزیر طهران) ۱۴  
 ناصرالدین شاه ۴۰، ۳۱  
 نسزی (?) ۳۳  
 نصیر الملک ۵۱  
 نظام الملک (پسر میرزا آقاخان نوری) ۸۳، ۸۰، ۸، ۲  
 نوری (میرزا آقاخان) ۴۳، ۳۹  
 ۹۴، ۹۱، ۷۷، ۷۳، ۶۴، ۶۳، ۵۸، ۵۳

## فهرست امکنه

- آذربایجان ۹۲،۳۳،۲۸،۱۵،۰۶  
 آستانه حضرت عبدالعظیم هندوستان ۴۰  
 (۶) ۱۱  
 استرآباد ۶  
 اسلامبول ۳۸  
 اغلان تپه ۲۸،۹  
 انگلستان = انگلیس ۱، ۳  
 ۱۲ و... اکثرصفحات  
 ایران ۱- ۴ و... اکثرصفحات  
 تفاليس ۹۳  
 خراسان ۳۳،۳۱  
 روس = روسیه ۹۲،۹۱،۳۲،۱۵،۰۱  
 ساوجبلاغ ۹  
 شمیران ۱۵، ۳  
 طالقان ۸،۳،۰۲ - ۲۸،۱۶،۱۱  
 ۳۷،۳۴  
 طهران ۳۳، ۹  
 فارس ۶، ۱  
 قراباغ ۹۳  
 قم، ۱۱  
 کرج ۹  
 کردستان ۹۲  
 کرمانشاهان ۶  
 گیلان ۹۳،۹۲،۰۶  
 لندن ۳۳،۲۷،۰۲۵  
 مازندران ۶  
 مدرسه دارالفنون ۲۹